

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

ال-م- (1)

الف، لام، میم. (1)

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (2)

این است کتاب نیست شبهه در آن، رهنما است برای پرهیزگاران. (2)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (3)

آنان که ایمان می آورند به نادیده و برپا می دارند نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند. (3)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (4)

و آنان که ایمان می آورند به آنچه فرود آورده شده به سوی تو و آنچه فرود آورده شده از پیش تو و به آخرت ایشان یقین دارند. (4)

أُولَىٰ نِكَاحِكَ عَلَىٰ هَدًى مِّن رَّبِّهِمْ ص و أُولَىٰ نِكَاحِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (5)

آنها اند بر هدایت از جانب پروردگار شان، و آنها ایشان اند رسته گاران. (5)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (6)

هرآئینه آنانکه نامعتقد شدند برابر است بر ایشان آیا بترسانی ایشان را یا نترسانی ایشان را نمی آورند ایمان. (6)

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ ص و عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً ص و لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (7)

مهرنهاد خدا بردل های ایشان و برگوش های ایشان؛ و بر چشم های ایشان پرده؛ و برای ایشان است عذابی بزرگی. (7)

و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ (8)

و از مردم کسانی اند که می گویند ایمان آوردیم به خدا و به روز آخر و نیستند ایشان از ایمان آورنده گان. (8)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (9)

می جویند فریب دادن خدا را و آنان را که ایمان آوردند، و نمی فریبند مگر خویشتن را و نمی فهمند. (9)

فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا ص و لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (10)

در دل های ایشان بیماری است پس اضافه کرد به ایشان خدا بیماری را؛ و برای ایشان است

عذاب درد دهنده به سبب آنچه بودند به دروغ نسبت می کردند. (10)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (11)

و وقتی که گفته شد برای ایشان نکنید تباه کاری در زمین، گفتند جز این نیست که ما اصلاح کارانیم. (11)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ (12)

بیگمان هر آینه ایشان ایشانند تباه کاران ولیکن پی نمی برند. (12)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَن نُّؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ (13)

و وقتی که گفته شد برای ایشان که ایمان آورید چنانکه ایمان آوردند مردم، گفتند آیا ایمان آوریم چنانکه ایمان آوردند بیخردان؟ بیگمان هر آینه ایشان ایشانند بیخردان ولیکن نمیدانند. (13)

وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامِنَّا وَ إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُونَ (14)

و وقتی که ملاقات کردند آنان را که ایمان آورده اند گفتند: ایمان آورده ایم و وقتی که تنها شدند با شیاطین خود گفتند: هر آینه ما با شما هستیم، جز این نیست که ما تمسخر کننده گانیم. (14)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (15)

خدا تمسخر می کند به ایشان و مهلت میدهد ایشان را در سرکشی شان سرگردانی می کنند. (15)

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبَحَتِ تِجَارَتُهُمْ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (16)

آنها کسانی اند که خریدند گمراهی را به هدایت پس نداد فائده تجارت ایشان و نبودند راه یافته گان. (16)

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ (17)

مثال ایشان مانند مثال کسی است که فروخت آتش را پس چون آتش روشن کرد آنچه در دور و بر او بود، دور ساخت خدا روشنی این گروه را و بگذاشت ایشان را در تاریکی ها، هیچ نمی بینند. (17)

صُمٌّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (18)

کوراند، گنگانند، کورانند پس ایشان باز نمی گردند. (18)

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْدَبَعُهُمْ فِي أَذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ

حَذَرَ الْمَوْتِ ۖ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (19)

یا (مثال ایشان) مانند باران طوفانی از آسمان در آن تاریکی ها و صدای بلند الماسک و الماسک، در می آورند انگشتان خود را در گوش های شان از صاعقه ها، (از) ترس مرگ. و خدا است احاطه کننده نامعتقدان را. (19)

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَرَ هُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ۗ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (20)

نزدیک است الماسک بر باید چشم های ایشان را، هر گاه روشنی داد برق برای ایشان، راه رفتند در آن روشنی و وقتیکه تاریکی کرد بر ایشان، ایستادند. و اگر می خواست خدا البته از بین می برد گوش های ایشان را و چشم های ایشان را. هر آئینه خدا است بر همه چیز توانا. (20)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (21)

ای مردم! بپرستید پروردگار خویش را آنکه آفرید شما را و آنان را از پیش شما، تا باشد شما پرهیزگاری کنید. (21)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً ۖ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ ۗ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (22)

آنکه ساخت برای شما زمین را آرامگاه و آسمان را سقفی و فرود فرستاد از آسمان آب را، پس بیرون آورد به (سبب) آن از میوه ها روزی برای شما؛ پس نسازید برای خدا همتایان و شما میدانید. (22)

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ ۚ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (23)

و اگر هستید شما در شک از آنچه فرود آوردیم ما بر بنده ما (قرآن را) پس بیاورید سوره ئی مانند آن و بخوانید گواهان خود را از غیر خدا اگر هستید شما راست گویان؟ (23)

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۗ وَسِئْرٌ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (24)

پس اگر نه کردید و هر گز نمی توانید پس حذر کنید از آتش آنکه هیزم های آن مردم و سنگ ها اند؛ آماده کرده شده است برای نامعتقدان. (24)

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ ۖ وَأَتُوا بِهَا مُتَشَبِهًا ۖ وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ ۖ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (25)

و بشارت ده آنان را که ایمان آورده اند و کردند کار های شائسته آنکه برای ایشان است بوستان ها می رود از زیر آنها جوی ها؛ هر گاه روزی داده شدند در آنجا از میوه روزی ئی، گفتند: این همان است که داده شده بودیم ما روزی از پیش؛ و آورده شود به ایشان آن روزی

مانند یکدیگر. و برای ایشان است در آنجا همسران پاک کرده شده؛ و ایشان اند در آن جا همیشه باشندگان. (25)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي~ أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا، فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ **صلى** وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا **صلى** يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ~ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (26)

هر آئینه خدا نمی کند شرم از آنکه بزند مثال پشه پس آنچه بالاتر از آن است، پس اما آنانکه ایمان آورده اند پس می دانند آنکه این مثال راست است از جانب پروردگار ایشان؛ و اما آنانکه نامعتقد شدند پس می گویند: چه چیز خواسته است خدا به این مثال؟ خدا گمراه می کند به سبب وی بسیاری را و هدایت می کند به سبب آن بسیاری را. و نمی کند گمراه به آن مگر سرکشان قصدی را. (26)

الَّذِينَ يَنْفُسُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ~ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ، أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (27)

آنانکه می شکنند پیمان خدا را از بعد بستن آن و می برند آنچه را که امر فرموده است خدا به آن آنکه پیوسته شود و تباہ کاری می کنند در زمین. آنها ایشان اند زیان کاران. (27)

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ **صلى** ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (28)

چگونه نامعتقد می شوید به خدا و بودید بی جانان پس زنده گردانید شما را؟ باز می میراند شما را باز زنده می کند شما را باز به سوی او بازگردانیده می شوید. (28)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى~ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (29)

او است آنکه آفرید برای شما آنچه در زمین است همه آن بازاراده کرد به سوی آسمان پس برابر ساخت آن را هفت آسمان ها. و او است به همه چیز دانا. (29)

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَى~ ائِكَ اِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً **صلى** قَالُوا~ أ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ **صلى** قَالَ اِنِّي~ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (30)

ووقتیکه گفت پروردگار تو به فرشته گان که هر آئینه من آفریننده ام در زمین جانشینی را؛ گفتند: آیا می آفرینی در زمین کسی را که فساد و بدکاری می کند در آن و خونریزی می کند؟ و ما تسبیح می گوئیم به حمد تو و به پاکی اقرار می کنیم برای تو؛ فرمود: هر آئینه من میدانم آنچه که شما نمی دانید. (30)

وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَى~ ائِكَ فَقَالَ اُنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هِيَ~ وُلَاةٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (31)

وآموختاند خدا آدم را نام ها را همه آن، باز عرضه کرد آن ها را بر فرشته گان پس گفت: خبر دهید مرا به نام های این ها اگر هستید شما راستگویان؟ (31)

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا **صلى** إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (32)

گفتند: پاکی است ترا نیست هیچ دانش برای ما مگر آنچه تو آموختندی ما را؛ هر آئینه تو توئی نهایت دانا، نهایت هوشیار. (32)

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي - أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (33)

فرمود: ای آدم خبر ده فرشته گان را به نام های شان پس چون خبر داد ایشان را به نام های شان، فرمود: آیا نه گفته بودم برای شما که هر آئینه من میدانم پنهان آسمان ها و زمین را و می دانم آنچه آشکار می کنید و آنچه هستید شما پنهان می کردید. (33)

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَأِ - نِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا - إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (34) و وقتیکه گفتیم ما به فرشته گان: سجد کن برای آدم، پس سجد کردند مگر ابلیس سر باز زد و تکبر نمود و بود از نامعتقدان. (34)

وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (35)

و گفتیم ما: ای آدم سکونت کن تو و همسرت در بهشت و بخورید هر دو از بهشت به فراوانی و راحتی هر جا که خواهید (هر دو) و نزدیک مشوید (هر دو) به این درخت پس باشید (هر دو) از ستم گاران. (35)

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ - صِلَى وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (36)

پس لغزانید هر دو را شیطان از آن جا پس بر آورد هر دو را از آن که بودند در آن (بهشت)؛ و فرمودیم ما: فرود آئید بعضی شما برای بعضی دشمن باشد؛ و برای شما در زمین است آرامگاه ئی و بهره مندی ئی تا مدتی. (36)

فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ - كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ - إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (37)

پس رسید آدم از پروردگار خود سخنانی، پس برگشت خدا بر او (قبول کرد خدا توبه او را به مهربانی خود). هر آئینه خدا او است توبه پذیرنده، نهایت با رحم. (37)

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا - صِلَى فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْهُ هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (38)

گفتیم ما: فرود آئید از آن جا همه شما؛ پس اما اگر بیاید به شما از من هدایتی، پس هر که پیروی کرد هدایت مرا پس نیست هیچ ترس بر ایشان و نه ایشان اندوه خورند. (38)

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا - أُولَى - نِكَ أَصْحَابُ النَّارِ - صِلَى هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (39)

و آنانکه نامعتقد شدند و به دروغ نسبت کردند آیت های ما را آنها باشند گان دوزخ اند؛ ایشان در آن اند همیشه باشند گان. (39)

يَبْنِي - إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي - أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِي - أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَ إِيَّيَ

فَارْهَبُونِ (40)

ای فرزندان اسرائیل یاد کنید آن نعمت مرا آنکه ارزانی داشتیم بر شما و وفا کنید به پیمان من تا وفا کنم پیمان شما را و تنها از من پس بترسید. (40)

وَ ءَامِنُوا بِمَا أُنزِلَتْ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ میلی وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ إِيَّايَ فَاتَّقُونِ (41)

و ایمان آورید به آنچه فرود فرستادم من تصدیق کننده آنچه با شما است و نباشید نخستین منکر به آن؛ و خرید آیت های مرا به بهای اندک و تنها از من پس بترسید. (41)

وَ لَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (42)

و نیامیزید راست را با ناراست و نکنید پنهان راست را و شما میدانید. (42)

وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّٰكِعِينَ (43)

و بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را و رکوع کنید با رکوع کننده گان. (43)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (44)

آیا امر می کنید مردم را به نیکو کاری و فراموش می کنید خویشتان را و شما می خوانید کتاب را؟ آیا پس نمی فهمید؟ (44)

وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخٰشِعِينَ (45)

و مدد طلبید به شکیبائی و نماز. و هر آینه این ها البته سخت دشوار است مگر بر فروتنان. (45)

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهْمُ مُلَاقُوا رَبِّهْمُ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهٖ رَاجِعُونَ (46)

آنان که میدانند آنکه ایشان ملاقات می کنند پروردگار خویش را و آنکه ایشان به سوی او بر می گردند. (46)

يٰۤاِبْنَیٓ اِسْرٰٓئِیْلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِیْٓ اَنْعَمْتُ عَلَیْكُمْ وَ اَنِّیْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَی الْعٰلَمِیْنَ (47)

ای فرزندان اسرائیل! یاد کنید نعمت مرا آنکه اعطاء کردم من بر شما و آنکه برتری دادم شما را بر جهان ها. (47)

وَ اتَّقُوا یَوْمًا لَا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئًا وَ لَا یُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَ لَا یُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا هُمْ یُنصَرُونَ (48)

و بترسید روزی را که نگیرد به عهده نفسی از نفسی چیزی را و نه پذیرفته شود از نفسی شفاعت و نه گرفته شود از نفسی عوض و نه ایشان یاری داده می شوند. (48)

وَ اِذْ نَجَّیْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَكُمْ سُوءًا الْعَذَابِ یُدَبِّحُونَ اَبْنَاءَكُمْ وَ یَسْتَحْیُونَ نِسَاءَكُمْ وَ فِیْ ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِیْمٌ (49)

و وقتی که نجات دادیم شما را از خاندان فرعون می رسانیدند به شما سخت ترین عذاب سر

می بریدند پسران شما را و زنده می گذاشتند زنان شما را. و در این کار به شما آزمایشی بود از جانب پروردگار شما بزرگ. (49)

وَ إِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَ أَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (50)

و وقتی که شگافتیم برای شما بحر را پس نجات دادیم شما را و غرق کردیم خاندان فرعون را و شما می دیدید. (50)

وَ إِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰٓٔ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ (51)

و وقتی که میعاد مقرر کردیم با موسی چهل شب پس گرفتید گوساله را (معبود) از بعد موسی و شما ستم گار بودید. (51)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (52)

پس در گذشتیم از شما از بعد این تا بود که شما سپاس گذاری کنید. (52)

وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (53)

و وقتی که دادیم موسی را کتاب را و فرق کننده را تا بود که شما راه یاب شوید. (53)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ ۖ يَا قَوْمِ ۖ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوآٓٔ إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوآٓٔ أَنْفُسَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (54)

و وقتی که گفت موسی برای قوم خود: ای قوم من هر آینه شما ستم کردید بر خویشان به گرفتن شما گوساله را (معبود) پس باز آئید (وتوبه کنید) به سوی آفریده گار خویش پس بکشید نفس های خود را، این بهتر است برای شما نزد آفریده گار شما پس پذیرفت توبه شما را (به مهربانی خود). هر آینه خدا او است توبه پذیر نهایت با رحم. (54)

وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذْنَاكُمُ الصَّعِقَةَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (55)

و وقتی که گفتید: ای موسی! هر گز باور نمی کنیم ترا تا آن که ببینیم خدا را آشکارا پس گرفت شما را صاعقه و شما می دیدید. (55)

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (56)

باز زنده گردانیدیم شما را از بعد مردن شما تا بود که شما سپاس گذاری کنید. (56)

وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوَىٰ ۗ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۗ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (57)

و سایبان ساختیم ما بر شما ابر را و فرو فرستادیم ما بر شما من و سلوی را؛ (گفتیم) بخورید از پاکیزه های آنچه روزی داده ایم شما را؛ و نکردند ستم ما را ولیکن بودند نفس های خویش را ستم می کردند. (57)

وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَّعْفِرَ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ ۗ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (58)

و وقتی که گفتیم ما در آنید در این شهر پس بخورید از آنجا هر جا که خواهید به فراوانی و آسوده گی و در آنید به دروازه سجده کنان و بگوئید: حطة (پروردگارا در گذر از گناهان ما)، بیمارزیم برای شما گناهان شما را. و زیاده خواهیم داد نیکوکاران را. (58)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (59)

پس عوض کردند آنانکه ستم کردند سخن را غیر آنکه گفته شد برای ایشان پس فرو فرستادیم ما بر آنانکه ستم کردند عذابی از آسمان به سبب آنکه بودند سرکشی قصدی می کردند. (59)

وَ إِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ صلى فَاَنْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا صلى قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ صلى كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِّزْقِ اللّٰهِ وَ لَا تَعْتُوا فِى الْاَرْضِ مُمْسِدِينَ (60)

و وقتی که آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم ما: بزن به چوب دست خود سنگ را؛ پس روان شد از سنگ دوازده چشمه؛ به یقین دانست هر قوم آب خورد خود را؛ (گفتیم: بخورید و بنوشید از روزی خدا و فساد و تباهی نکنید در زمین تباه کاران. (60)

وَ إِذِ قُلْتُمْ بِمُوسَىٰ اِنَّ نَصِيبَ عَلٰى طَعَامٍ وَّاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْاَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ فَنَاتِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلَهَا صلى قَالَ اَنْتُمْ سِنْدِلُونَ الَّذِى هُوَ اَدْنٰى بِالَّذِى هُوَ خَيْرٌ ؕ اَهْبِطُوا مِصْرًا فَاِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ صلى وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلٰةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا بِغَضَبِ اللّٰهِ صلى ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيٰتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُوْنَ النَّبِیِّیْنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ صلى ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (61)

و وقتی که گفتید: ای موسی! هر گز شکیبائی نکنیم بر یک (قسم) خوراک پس طلب کن برای ما از پروردگار خود تا بیرون آورد برای ما از آنچه می رویاند زمین از سبزیجات آن و بادرنگ آن و سیر آن و دال آن و پیاز آن؛ گفت موسی: آیا بدل می کنید آنچه است فروتر به آنچه آن است بهتر؟ فرود آنید به شهری پس هر آئینه باشد برای شما آنچه خواستید. و زده شد بر ایشان خواری و بی نوائی و باز گشتند به خشمی از جانب خدا. این به سبب آنکه ایشان بودند به دروغ نسبت می کردند به آیت های خدا و می کشتند پیغامبران را به ناحق. این به سبب آنکه سرکشی کردند و بودند از حد می گذشتند. (61)

اِنَّ الَّذِیْنَ ءَامَنُوا وَ الَّذِیْنَ هَادُوا وَ النَّصٰرٰى وَ الصّٰبِیِّیْنَ مِنْ ءَاْمَنِ بِاللّٰهِ وَ الْیَوْمِ الْاٰخِرِ وَ عَمِلْ صٰلِحًا فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ (62)

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و آنان که یهود شدند و نصاری و الصابئین هر که ایمان آورد به خدا و روز قیامت و کرد کار شائسته پس برای ایشان است مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و نه ترس بود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین می شوند. (62)

وَ اِذْ اَخَذْنَا مِیثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِیهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ (63)

و وقتی که گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم بالای شما طور را (گفتیم): بگیرد آنچه داده ایم شما را به محکمی و یاد کنید آنچه در آن است تا بود که پرهیزگاری کنید. (63)

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ صلى فَلَوْ لَا فَضَّلُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (64)

باز رو گردانیدید از بعد این؛ پس اگر نمی بود بخشانش خدا بر شما و مهربانی او البته می شدید از زیان کاران. (64)

وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (65)

و البته به یقین دانسته اید آنان را که از حد در گذشتند از شما در روز شنبه پس گفتیم ما برای ایشان: شوید بوزینه گان خوار شده. (65)

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (66)

پس ساختیم آن را عبرتی برای آنان در میان دو دست آن و آنچه عقب آن بود و پندی برای پرهیز گاران. (66)

وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ - إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً صلى قَالُوا - أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا صلى قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (67)

و وقتی که گفت موسی به قوم خود: هر آئینه خدا می فرماید شما را آنکه بکشید گاوی را. گفتند: آیا می گیری ما را مسخره؟ گفت (موسی): پناه می گیرم به خدا آنکه باشم از جاهلان. (67)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ - قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا فَارِضٌ وَ لَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ صلى فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (68)

گفتند: بخواه برای ما از پروردگار خود روشن کند برای ما چیست (چه قسم است) آن گاو. گفت: هر آئینه خدا می فرماید: هر آئینه آن گاوی است نه پیر و نه جوان، میانه سالی است در میان این و آن. پس انجام دهید آنچه را که امر شدید. (68)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا - قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقْع لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ (69)

گفتند: بخواه برای ما از پروردگار خود تا روشن کند برای ما چیست رنگ آن گاو. گفت: هر آئینه خدا می فرماید: هر آئینه آن گاوی است زرد، خوش رنگ، رنگ آن خوش می سازد بیننده گان را. (69)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ - إِنَّ الْبَقْرَ تَشَابَهُ عَلَيْنَا وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (70)

گفتند: بخواه برای ما از پروردگار خود تا روشن کند برای ما چگونه است آن گاو، هر آئینه گاوان مشابه اند بر ما و هر آئینه ما اگر خواست خدا البته راه یافته گانیم. (70)

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا - قَالُوا النَّسْنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ - فَذَبْحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (71)

گفت: هر آئینه خدا می فرماید: هر آئینه آن گاوی است نه محنت کشنده که شخم می زند

زمین را و نه آب می دهد زراعت را، سلامت است، نیست هیچ خالی در آن. گفتند: حالا آمدی با سخن درست. پس سر بریدند گاو را. و نبودند نزدیک (که این کار را) بکنند. (71) وَ إِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذْرَأْتُمْ فِيهَا مَلِي وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (72)

و وقتی که کشتید شخصی را پس نزاع کردید در باره آن؛ و خدا بیرون آورنده است آنچه را که بودید شما پنهان می کردید. (72)

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ۗ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ ۗ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (73)

پس گفتیم ما: بزنید او را با بعضی (پاره) از گاو. این چنین زنده می کند خدا مرده گان را و نشان میدهد شما را نشانه های خود را تا بود که دریابید. (73)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ۗ وَ إِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ ۗ وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْفَقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ۗ وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَ مَا اللَّهُ بِعَافٍ لِّ عَمَّا تَعْمَلُونَ (74)

باز سخت شد دل های شما از بعد این پس آن ها مانند سنگ اند یا زیاده تر در سختی. و هر آئینه از سنگ ها آن است که روان می شود از آن جویها. و هر آئینه از سنگ ها آن است که می شگافد پس بیرون می آید از آن آب. و هر آئینه از سنگ ها آن است که فرو می ریزد از ترس خدا. و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید. (74)

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ (75)

آیا پس امیدی دارید آنکه (یهودیان) ایمان آورند به (دین) شما و به یقین است گروهی از ایشان می شنوند کلام خدا را (در تورات) پس تغییر می دهند آن را از بعد آنکه فهمیده بودند آن را و ایشان می دانستند. (75)

وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَ إِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا ءَا تَحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ ۗ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (76)

و وقتی که ملاقات کردند آنان را که ایمان آورده اند گفتند: ایمان آوردیم و وقتی که تنها شدند بعضی از ایشان با بعضی گفتند: آیا خبر می دهید ایشان را به آنچه خدا کشاده است بر شما تا مناظره کنند با آن دلیل نزد پروردگار شما؟ آیا پس نمی فهمید؟ (76)

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ مَا يُعْلِنُونَ (77)

آیا نمیدانند آنکه خدا میداند آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکار می نمایند. (77)

وَ مِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَ إِنَّ هُمْ إِلَّا يظنونَ (78)

و از ایشان ناخوانان اند، نمیدانند کتاب (تورات) را مگر آرزو های باطل را و نیستند ایشان مگر می کنند گمان. (78)

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا مَلِي فَوَيْلٌ لَهُمْ

مَّا كَتَبْتُ أَيْدِيهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ (79)

پس وای برای آنانکه می نویسند کتاب را به دست های خود باز می گویند: این از نزد خدا است تا بخرند به آن بهای کمی، پس وای برای ایشان به سبب آنچه نوشت دست های ایشان و وای برای ایشان به آنچه کسب می کنند. (79)

وَ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً، قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ و-صلی لا أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْمَلُونَ (80)

و گفتند: هرگز نمی رسد به ما آتش دوزخ مگر روز های شمرده شده. بگو: آیا گرفتید از پیش خدا پیمانی؟ پس هرگز خلاف نمیکند خدا پیمان خود را؛ یا می گوئید بر خدا آنچه نمیدانید؟ (80)

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحْطَطَ بِهَا خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ صلی هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (81)

بلی کسی که به دست آورد کار بد و احاطه کرد به او گناهان او، پس آنها اند باشندگان دوزخ؛ ایشان در آن جا همیشه باشندگانند. (81)

وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ صلی هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (82)

و آنان که ایمان آوردند و کردند کار های شائسته، آن ها اند باشندگان بهشت؛ ایشان در آن جا همیشه باشندگانند. (82)

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ (83)

و وقتیکه گرفتیم ما پیمان فرزندان اسرائیل را: نمی پرستید مگر خدا را و به والدین نیکویی کنید و به اهل قرابت و یتیمان و بی نوایان و بگوئید برای مردم: سخن نیک و بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را، باز برگشتید مگر اندکی از شما و شما رو گردان شدید. (83)

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ لَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ (84)

و وقتیکه گرفتیم پیمان شما را: نریزید خون یکدیگر را و بیرون نکنید یکدیگر را از خانه های خویش، باز قبول کردید و شما گواهی می دهید. (84)

ثُمَّ أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّنْ دِيَارِهِمْ تَطْبَعُهُمْ عَلَيْهِمُ الْإِيمَةُ وَ الْعُدْوَانُ وَ إِنْ يَأْتُوكُمْ أُسْرَىٰ تَقْتُلُوهُمْ وَ هُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَ فْتَوُمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ، فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا صلی وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَيْهِ صلی أَشَدَّ الْعَذَابِ صلی وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (85)

باز شما آنها اید که می کشید یکدیگر را و بیرون می آورید گروهی از (قوم) خود را از خانه های ایشان، مدد می کنید بر ایشان به گناه و دشمنی و اگر بیاید به شما اسیر شده گان

فدیه میدهد عوض ایشان و آن حرام کرده شده است بر شما بیرون کردن ایشان. آیا پس ایمان می آورید به برخی از کتاب و نامعتقد می شوید به برخی دیگر؟ پس نیست جزای آنکه می کند این کار را از شما مگر خواری در زنده گانی دنیا؛ و روز قیامت سَوق داده می شوند به سوی سخت ترین عذاب. و نیست خدا بی خبر از آنچه که می کنید. (85)

أُولَىٰ نِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ۖ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (86)

آن ها کسانی اند که خریدند زنده گانی دنیا را با آخرت. پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان یاری داده می شوند. (86)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۖ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۖ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (87)

و البته به یقین دادیم ما موسی را کتاب را و پیاپی آوردیم ما از بعد او پیغمبران را. و دادیم ما عیسی پسر مریم را نشانه های روشن و مدد دادیم او را با روح القدس (جبریل). آیا پس هر گاه که آمد به شما پیغامبری با آنچه نمی داشت دوست نفس های شما، سرکشی و کبر کردید؟ پس گروهی را به دروغ نسبت کردید و گروهی را می کشید. (87)

و قَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (88)

و گفتند: دل های ما پوشیده در پرده است. بلکه نفرین کرده است ایشان را خدا به سبب کفر ایشان، پس کم است آنچه ایمان می آورند. (88)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ ۖ فَلَعْنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ (89)

و هنگامیکه آمد به ایشان کتابی از نزد خدا، تصدیق کننده آنچه به همراهی ایشان بود و بودند از پیش این طلب می کردند فیروزی را بر آنانکه نامعتقد شدند، پس هنگامیکه آمد به ایشان آنچه می شناختند، منکر شدند به آن. پس لعنت خدا است بر نامعتقدان. (89)

بِسْمَا اسْتَرَوْا بِهِ ۖ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ مِنْ قَبْلَ ۚ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (90)

بد است آنچه خریدند به آن نفس های خویش را آنکه نامعتقد شوند به آنچه فرود فرستاده است خدا (کفر را ترجیح دادند بر قرآن)، به سبب حسادت بر آنکه فرود می فرستد خدا از فضل خود بر هر که میخواهد از بنده گان خود. پس برگشتند به خشمی بالای خشمی. و برای نامعتقدان است عذابی خوار کننده. (90)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ ۚ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ ۗ قُلْ فَلِمَ تَقُولُونَ أَنْبِيَآءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (91)

و وقتی که گفته شد برای ایشان: ایمان آورید به آنچه فرود فرستاده است خدا، گفتند: ایمان می آوریم به آنچه فرود فرستاده شده بر ما و نا معتقد می شوند به آنچه غیر از آن است و او است راست، تصدیق کننده آنچه به همراهی ایشان است. بگو: پس چرا می کشید پیغمبران خدا را از پیش اگر بودید شما ایمان آورنده گان؟ (91)

وَ لَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (92)

و هر آینه آمد به شما موسی با نشانه های روشن باز گرفتید گوساله را (معبود) از بعد او و شما ستم گاران بودید. (92)

وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمِعُوا لِي ۙ قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا وَ أَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ ۗ فَلَنْ نُبَسِّمًا يَأْمُرُكُمْ بِهِ ۗ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (93)

و وقتی که گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم بالای شما طور را، (گفتیم): بگیری آنچه را دادیم شما را به محکمی و بشنوید؛ گفتند: شنیدیم و نافرمانی کردیم و نشانیده شدند در دل های شان (محبت) گوساله را به سبب نامعتقد بودن ایشان. بگو: بد چیز است آنچه امر می کند شما را به آن ایمان شما اگر بودید شما ایمان دارنده گان. (93)

فَلَنْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (94)

بگو اگر بود برای شما سرای آخرت نزد خدا به خصوص از غیر مردم، پس آرزو کنید مرگ را اگر بودید راستگویان؟ (94)

وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (95)

و هر گز آرزو نکنند آن را هیچگاه به سبب آنچه پیش فرستاده است دست های ایشان. و خدا است دانا به ستم گاران. (95)

وَ لَتَجِدَنَّاهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا ۗ يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَ مَا هُوَ بِمُرْحَزٍ جِهٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ ۗ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (96)

و البته بیابی ایشان را حریص ترین مردم بر زنده گانی و (حریص تر) از آنانکه شرک آورده اند. دوست دارد هر یک ایشان اگر عمر داده شود هزار سال و نیست آن رهاننده او از عذاب آنکه عمر داده شود. و خدا است بینا به آنچه می کنند. (96)

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ ۙ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُدًى وَ بُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (97)

بگو: هر که باشد دشمن برای جبریل، پس هر آینه او (جبریل) فرود فرستاده است آن (قرآن) را بر دل تو به فرمان خدا تصدیق کننده آنچه میان دو دست او است و رهنما و مژده دهنده برای ایمان داران. (97)

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلْآئِكَتِهِ ۙ وَ رُسُلِهِ ۙ وَ جِبْرِيلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ (98)

هر که باشد دشمن خدا را و فرشته گان او را و پیغامبران او را و جبریل را و میکال را پس هر آئینه خدا دشمن نامعتقدان است. (98)

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ مِّنْهُ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (99)

و البته به یقین فرود فرستادیم ما به سوی تو نشانه های روشن. و نمی کنند نامعتقدی به آن ها مگر سر کشان قصدی. (99)

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (100)

یا هر گاه بستند پیمانی، آنطرف انداخت آن را گروهی از ایشان. بلکه بسیاری ایشان ایمان نمی آورند. (100)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (101)

و هر گاه آمد به ایشان پیغامبری از نزد خدا تصدیق کننده آنچه به همراه ایشان بود، آنطرف انداخت گروهی از آنان که داده شده بودند کتاب را، کتاب خدا را پس پشت خویش، مانند آنکه ایشان نمیدانند. (101)

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ مِّنْهُمَا مَا يَفْرُقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السَّحَرَ وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (102)

و پیروی کردند آنچه می خواندند شیطانان بر سلطنت سلیمان؛ و نشد نامعتقد سلیمان ولیکن شیطانان نامعتقد شدند، می آموختند مردم را جادو را و آنچه فرود فرستاده شده بود بر دو فرشته در بابل هاروت و ماروت. و نمی آموزند هر دو هیچ کس را تا آنکه گویند هر دو جز این نیست که ما آزمایشیم پس نامعتقد مشو. پس می آموزند از آن دو آنچه که جدائی می افکنند به آن در میان مرد و زن او. و نیستند ایشان زیان رساننده به آن از هیچ کس را مگر به اجازه خدا. و می آموختند آنچه زیان می رساند ایشان را و نمی دهد منفعت ایشان را. و البته به یقین دانسته بودند که البته کسی که خرید آن را، نیست برای او در آخرت هیچ بهره ئی. و البته بد است آنچه خریدند به آن نفس های خود را اگر بودند می دانستند. (102)

وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمُتُّوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنْ لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ (103)

و اگر آنکه ایشان ایمان آوردند و پرهیزگاری کردند البته ثواب از نزد خدا بهتر است؛ اگر بودند ایشان می دانستند. (103)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا مِّنْهُ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (104)

ای آنانکه ایمان آورده اید مگوئید: راعنا (رعایت ما کن) و بگوئید: انظرنا (بنگر به ما) و

بشنوید. و برای نامعتقدان عذاب درد دهنده نئی است. (104)

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ قُلْ وَ اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (105)

نمی دارد دوست آنانکه نامعتقد شدند از اهل کتاب و نه مشرکان آنکه فرود فرستاده شود بر شما از نیکی از جانب پروردگار شما. و خدا مخصوص می کند به رحمت خود هر که را می خواهد. و خدا صاحب فضل بزرگ است. (105)

مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا قُلْ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (106)

نمی بریم از بین، از آیتی یا فراموش می گردانیم آن را، می آوریم بهتر از آن یا مانند آن. آیا ندانسته نئی آنکه خدا است بر هم چیز توانا. (106)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (107)

آیا ندانسته نئی آنکه خدا را برای او است پادشاهی آسمان ها و زمین. و نیست برای شما از غیر خدا هیچ دوست نگهبانی و نه یاری دهنده نئی. (107)

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قُلْ وَ مَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (108)

آیا می خواهید آنکه سؤال کنید پیغامبر خود را چنانچه سؤال کرده شده بود موسی از پیش؟ و کسی که معاوضه کند نامعتدی را با ایمان (کفر را بر ایمان ترجیح داد)، پس به یقین گم کرد راه راست را. (108)

وَ دَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ قُلْ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (109)

دوست داشت بسیاری از اهل کتاب که اگر برگردانند شما را از بعد ایمان شما به نامعتدی به سبب حسد از نزد نفس های ایشان از بعد آنکه واضح شد برای ایشان حق. پس عفو کنید و در گذرید تا آنکه بیاورد خدا فرمان خود را. هر آئینه خدا است بر همه چیز توانا. (109)

وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (110)

و برپا دارید نماز را و بدهید زکات را. و آنچه پیش می فرستید برای نفس های خود از نیکو کاری می یابید آن را نزد خدا. هر آئینه خدا است به آنچه می کنید بینا. (110)

وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (111)

و گفتند: هر گز در نیاید به بهشت مگر آنکه باشد یهود یا نصاری. این آرزو های باطله

ایشان است. بگو: بیاورید دلیل خود را اگر بودید راستگویان؟ (111)
بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
(112)

بلی! کسی که تسلیم کرد روی خود برای خدا و او نیکو کار باشد پس برای او است پاداش او نزد پروردگارش و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین می شوند. (112)
وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَلْمُوكَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (113)

و گفت یهود نیست نصاری بر چیزی و گفت نصاری نیست یهود بر چیزی و ایشان می خوانند کتاب را. همچنین گفتند آنانکه میدانند مانند گفتن ایشان. پس خدا حکم میکند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن می کردند اختلاف. (113)
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (114)
و کیست ستمگار تر از آنکه منع کرد مسجد های خدا را آنکه یاد کرده می شود در آنها نام خدا و کوشش کرد در ویرانی آن ها. آن ها نیست برای ایشان آنکه در آیند در آن ها (مسجد ها) مگر ترسان. برای ایشان است در دنیا خواری و برای ایشان است در آخرت عذابی بزرگی. (114)

وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَنَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (115)
و برای خدا است مشرق و مغرب. پس هر سو که رو گردانید پس همان جا است روی خدا. هر آینه خدا است گشایش گر و دانا. (115)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا قُلْ سُبْحٰنَهُ قُلْ بَلْ لَكُمْ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لَهُ قٰنِئٰتُونَ (116)
و گفتند: گرفت خدا فرزند. پاک است خدا؛ بلکه برای او است آنچه در آسمان ها و زمین است؛ همه برای او فرمان برداران اند. (116)

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قُلْ وَإِذَا قَضٰى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (117)
آفریننده آسمان ها و زمین، و وقتیکه اراده کرد کاری را، پس جز این نیست که می گوید او را بشو پس می شود. (117)

و قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (118)

و گفتند آنان که نمیدانند: چرا نمی گوید سخن با ما خدا یا آید به ما نشانه ئی؟ همچنین گفتند آنان از پیش ایشان مانند گفتن ایشان. مشابهت کرد دل های ایشان (با یکدیگر). به یقین روشن ساختیم ما آیت ها را برای گروهی که یقین می کنند. (118)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا ^{صلى} وَ لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (119)

هر آئینه ما فرستادیم ترا با راستی مژده دهنده و بیم دهنده؛ و پرسیده نمی شوی تو از اهل دوزخ. (119)

وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ ^{صلى} قُلْ إِنْ هُدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ ^{صلى} وَ لَنْ يُتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ (120)

و هرگز خوشنود نمی شود از تو یهود و نه نصاری تا آنکه پیروی کنی دین ایشان را. بگو: هر آئینه هدایت خدا همان است هدایت. و البته اگر پیروی کردی خیال های ایشان را بعد آنکه آمد به تو از دانش، نیست برای تو از (عذاب) خدا، از دوست صمیمی و محافظی و نه یاری دهنده ئی. (120)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَىٰ ^{صلى} أُولَىٰ ^{صلى} تَكُ يُؤْمِنُونَ بِهِ ^{صلى} وَ مَنْ يُكْفُرْ بِهِ ^{صلى} فَأُولَىٰ ^{صلى} تَكُ هُمْ الْخٰسِرُونَ (121)

آنانکه دادیم ایشان را کتاب می خوانند آن را حق (چنانچه که باید) خواندن آن، آنان ایمان می آورند به آن. و هر که نامعتقد می شود به آن پس آنها ایشانند زیان کاران. (121)

يٰۤاِبْنَئِیْٓ اِسْرٰٓئِیْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِی الَّتِیْٓ اَنْعَمْتُ عَلَیْكُمْ وَ اَنْیْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَی الْعٰلَمِیْنَ (122)

ای فرزندان اسرائیل! یاد کنید آن نعمت مرا که انعام کردم بر شما و آنکه برتری دادم شما را بر جهان ها! (122)

وَ اتَّقُوا یَوْمًا لَا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئًا وَ لَا یُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَ لَا هُمْ یُنصَرُونَ (123)

و حذر کنید روزی را که نکند برآورده کسی از کسی چیزی را و نشود پذیرفته از آن عوض و نفع ندهد او را شفاعتی و نه ایشان یاری داده شوند. (123)

وَ اِذْ اَبْتَلٰٓیٓ اِبْرٰهٖمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ ^{صلى} قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا ^{صلى} قَالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی ^{صلى} قَالَ لَا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ (124)

و وقتیکه بیازمود ابراهیم را پروردگار او به سخنانی پس به انجام رسانید آن ها را؛ گفت (خدا): هر آئینه من می گردانم ترا برای مردم پیشوا؛ گفت (ابراهیم): و از اولاد من، گفت (خدا): نمی رسد وعده من ستم گاران را. (124)

وَ اِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اٰمَنَّا وَ اتَّخَذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلِّی ^{صلى} وَ عٰهَدْنَا اِلَی ^{صلى} اِبْرٰهٖمَ وَ اِسْمٰعِیْلَ اَنْ طَهِّرَا بَیْتِی لِلطَّٰٓئِفِیْنَ وَ الْعٰكِفِیْنَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُوْدِ (125)

و وقتیکه ساختیم خانه (کعبه) را مرجع برای مردم و جای امنی و (گفتیم): بگریید از جای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه، و سفارش ما (بر عهده ایشان گذاشتیم) به سوی ابراهیم و اسماعیل آنکه پاک سازید هر دو خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کننده گان، سجده کننده گان. (125)

وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَّ ارْزُقْ اَهْلَهُ مِنْ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَاْمْتَعُهُ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهُٓ - اِلَى عَذَابِ النَّارِ ؕ وَ بِنَسِ الْمَصِيْرُ
(126)

و وقتی که گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بساز این شهر را با امن و روزی ده ساکنان آن را از میوه ها آنکه ایمان آورد از ایشان به خدا و روز آخر؛ فرمود (خدا): و کسی که نامعتقد شد پس بهره مند می سازم او را اندکی باز به بیچاره گی می رانم او را به سوی عذاب آتش؛ و بد جای باز گشت است. (126)

وَ إِذْ يَرْفَعُ اِبْرَاهِيْمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ اِسْمَاعِيْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ؕ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ (127)
و وقتی که بلند می کرد ابراهیم بنیاد های خانه را و اسماعیل، (دعا می کردند) ای پروردگار ما! بپذیر از ما؛ هر آئینه تو هستی شنوا، دانا. (127)

رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِيْنَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ وَ اَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تُبَّ عَلَيْنَا ؕ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ (128)

ای پروردگار ما! و بساز ما را منقاد خودت و از اولاد ما گروهی منقاد خودت، و بنما ما را طریق های عبادت های ما را و به مهربانی باز آ بر ما؛ هر آئینه تو، تویی توبه پذیر با رحم. (128)

رَبَّنَا وَ ابْعَثْ فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يَزَكِّيْهِمْ ؕ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ (129)

ای پروردگار ما! و بفرست در میان ایشان پیغامبری از ایشان بخواند بر ایشان آیت های ترا و بیاموزاند ایشان را کتاب را و حکمت (اسرار شریعت) و پاک سازد ایشان را. هر آئینه تو، تویی توانا، نهایت هوشیار. (129)

وَ مَنْ يَّرْغَبْ عَنِ مِّلَّةِ اِبْرَاهِيْمَ اِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ؕ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنٰهُ فِي الدُّنْيَا ؕ وَ اِنَّهُ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ (130)

و کیست که رو بگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه خوار و کوچک کرد خود را. و البته به یقین برگزیدیم او را در دنیا؛ و هر آئینه او در آخرت البته از جمله شایسته گان است. (130)
اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ - اَسْلِمْ ؕ قَالَ اَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ (131)

و وقتی که گفت برای او پروردگار او: منقاد شو؛ گفت: منقاد شدم برای پروردگار جهان ها. (131)

وَ وَصَّيْنَا بِهَا اِبْرَاهِيْمَ بَنِيْهِ وَ يَعْقُوْبُ يٰٓبَنِيَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمْ الدِّيْنَ فَلَا تَمُوْنَنَّ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ (132)

و وصیت کرد به این ابراهیم فرزندان خود را و یعقوب نیز که ای فرزندان من! هر آئینه خدا برگزیده برای شما دین را پس نمیرید مگر آنکه باشید تسلیم شده گان به خدا. (132)

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (133)

آیا بودید شما حاضر وقتیکه پیش آمد یعقوب را موت چون گفت برای فرزندان خود چه چیز را عبادت می کنید از بعد من، گفتند: ما عبادت می کنیم پروردگار ترا و پروردگار پدران ترا ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را، پروردگار یگانه و ما به او منقادیم. (133)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ لَهَا وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (134)

این گروهی است که در گذشت؛ برای آن ها است آنچه کسب کردند و برای شما است آنچه شما کسب کردید؛ و پرسیده نمی شوید از آنچه بودند می کردند. (134)

وَ قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا لَمْ يَكُن مِنَ الْمُشْرِكِينَ (135)

و گفتند: شوید یهود یا نصاری تا راه یابید. بگو: بلکه (پیروی می کنیم) دین ابراهیم را که حنیف بود؛ و نبود از مشرکان. (135)

قُولُوا إِنَّمَا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أوتَى مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا أوتَى النَّبِيِّينَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نَفَرُقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (136)

بگوئید: ایمان آوردیم ما به خدا و آنچه فرود فرستاده شده به سوی ما و آنچه فرود فرستاده شده به سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اولاده یعقوب و به آنچه داده شده موسی را و عیسی را و آنچه داده شده پیغمبران را از پروردگار ایشان، نمی کنیم فرق میان هیچ یک از ایشان و ما برای خدا منقادیم. (136)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا صَافٍ وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ لَنْ يَسِيئَ كُفْرَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (137)

پس اگر ایمان آوردند به مانند آنچه ایمان آوردید شما به آن پس به یقین راه یاب شدند؛ و اگر رو بر گردانیدند پس جز این نیست که ایشان در مخالفتند؛ پس زود باشد که کفایت کند ترا خدا از ایشان. و او است شنوای دانای. (137)

صِبْغَةَ اللَّهِ صَافٍ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً صَافٍ وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (138)

رنگ (دین) خدا؛ و کیست بهتر از خدا در رنگ آمیزی (چیست بهتر از دین خدا)؟ و ما برای او پرستنده گانیم. (138)

قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَ هُوَ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ وَ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (139)

بگو آیا مجادله می کنید با ما در باره خدا؟ و او است پروردگار ما و پروردگار شما و برای ما است کردارهای ما و برای شما است کردارهای شما و ما برای او به خصوص پرستنده

گانیم. (139)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَ أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ قُلْ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنْ اللَّهِ قُلْ وَ مَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (140)

یا می گوئید: هر آئینه ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اولاده یعقوب بودند یهود یا نصاری؟ بگو: آیا شما هستید دانا تر یا خدا؟ و کیست ستم گارتر از آنکه پوشاند گواهی را که نزد او است از جانب خدا؟ و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید. (40)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ مَلِيٍّ وَ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (141)

این است گروهی که گذشت؛ برای آن ها است آنچه کسب کردند و برای شما است آنچه شما کسب کردید؛ و نمی شوید پرسیده شما از آنچه (آنها) بودند می کردند. (141)

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلِهِمُ الَّذِينَ كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (142)

خواهند گفت بیخردان از مردم چه چیز برگردانید ایشان را از قبله ایشان آنکه بودند بر آن (بیت المقدس)؟ بگو: برای خدا است مشرق و مغرب. راه می نماید کسی را که می خواهد به سوی راه راست. (142)

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا قُلْ وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ قُلْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَحِيمٌ (143)

و به این ترتیب ساختیم شما را گروه میانه رو تا باشید گواهان بر مردم و تا باشد پیغمبر بر شما گواه. و نکردیم قبله را آنکه بودی تو بر آن مگر برای آن که آشکار سازیم ما کسی را که پیروی می کند پیغمبر را از آن کس که بر می گردد بر دو پاشنه خود (بی اطاعتی پیغمبر می کند). و هر آئینه بود (این کار) البته دشوار مگر بر آنانکه راه یاب نموده است (ایشان را) خدا. و نیست خدا که ضائع نماید ایمان شما را. هر آئینه خدا است به مردم البته مهربان، با رحم. (143)

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا مَلِيٍّ قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ قُلْ وَ إِنْ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ قُلْ وَ مَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (144)

به یقین می بینیم ما گردادن روی ترا در جانب آسمان؛ پس البته متوجه گردانیم ترا به آن قبله که خوشنود شوی به آن؛ پس بگردان روی خود را به طرف مسجد حرام. و هر جا که باشید پس بگردانید روی های خود را به طرف آن. و هر آئینه آنانکه داده شدند کتاب را، البته میدانند آنکه آن است راست از جانب پروردگار ایشان. و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنند. (144)

وَأَلِّينَ الَّذِينَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ ۚ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ
بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ
(145)

و البته اگر بیاری آنان را که داده شده اند کتاب را با هر نوع نشانه‌ی، نمی کنند پیروی قبله
ترا. و نیستی تو پیروی کننده قبله ایشان. و نیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعضی
دیگر را. و البته اگر پیروی کنی تو خواهش های ایشان را از بعد آنچه آمد به تو از دانش،
هر آینه تویی آن وقت البته از ستم گاران. (145)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۚ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ
يَعْلَمُونَ (146)

آنانکه داده ایم ما ایشان را کتاب را میشناسند او را (پیغمبر را) چنانکه میشناسند فرزندان
خود را؛ و هر آینه گروهی از ایشان البته می پوشانند حق را و ایشان میدانند. (146)
الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُكْفِرِينَ (147)

حق است از جانب پروردگار تو؛ پس مباش از شک آرنده گان. (147)
وَأَلِّكُ وَجْهَهُ هُوَ مَوْلَاهُ ۚ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ (148)

و برای هر جانبی، او است رو گرداننده به آن جانب؛ پس شتاب کنید به نیکی ها. هر جا که
باشید بیایرد شما را خدا همه یکجا. هر آینه خدا است بر همه چیز توانا. (148)
وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۚ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ
عَمَّا تَعْمَلُونَ (149)

و از هر جا که بیرون شدی پس بگردان روی خود را به سوی مسجد حرام؛ و هر آینه آن
است البته راست از جانب پروردگار تو. و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنید. (149)
وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۚ
لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَايْمُ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ
وَأَعْلَمُ تَهْتَدُونَ (150)

و از هر جا که بیرون شدی پس بگردان روی خود را به سوی مسجد حرام. و هر جا که
باشید پس بگردانید رو های خویش را به سوی آن تا نباشد برای مردم بالای شما دلیلی (البته
دلیل باطل) مگر آنانکه ستم کردند از ایشان پس نترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام
نمایم نعمت خود را بر شما و تا بود شما راه یاب شوید. (150)

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا
لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (151)

چنانکه فرستادیم در (میان) شما پیغامبری از (قوم) شما می خواند بر شما آیت های ما را و

پاک می سازد شما را و می آموزاند شما را کتاب را و حکمت (اسرار و منافع احکام) و می آموزاند شما را آنچه که نبودید میدانستید. (151)

فَاذْكُرُونِي - اذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ (152)

پس یاد کنید مرا یاد کنم شما را و سپاسگذاری کنید به من و نکنید ناسپاسی. (152)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (153)

ای آنانکه ایمان آورده اید مدد جوئید به شکیبائی و نماز. هر آئینه خدا است با شکیبایان.

(153)

وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (154)

و نگویید کسانی را که کشته می شوند در راه خدا مرده گان اند. بلکه (ایشان) زنده گان اند

و لیکن شما درک نمی کنید (چگونگی زنده گانی آن ها را). (154)

وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ قَلِيلًا وَ بَشِيرًا

الصَّابِرِينَ (155)

و البته بیازمائیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و زینانی از دارائی ها و ثروت ها و

جان ها و میوه ها. و مژده بده به شکیبایان. (155)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا - إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ (156)

آنانکه وقتیکه رسید به ایشان سختی گفتند: هر آئینه ما برای خدا هستیم و هر آئینه ما به سوی

او باز می گردیم. (156)

أُولَىٰ - نِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ - وَ أُولَىٰ - نِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (157)

آنها بر ایشان است درود ها از جانب پروردگار ایشان و رحمت؛ و آنها ایشانند راه یافته

گان. (157)

إِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ - فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا - وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (158)

هر آئینه صفا و مروه از نشانه های خدا اند؛ پس هر که حج خانه کند یا عمره بجا آورد پس

نیست گناه بر او آنکه طواف کند در میان آن ها. و هر که به دلخواه بجا آورد نیکی را پس

هر آئینه خدا است سپاس گذار، دانا. (158)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ - أُولَىٰ - نِكَ

يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا (159)

هر آئینه آنانکه پنهان می کنند آنچه فرود فرستادیم ما از سخنان روشن و هدایت از بعد آنچه

واضح ساختیم ما آن را برای مردم در کتاب، آن ها را لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت

می کند ایشان را لعنت کننده گان. (159)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (160)

مگر آنانکه توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و بیان کردند پس آنها توبه می پذیرم از ایشان. و منم توبه پذیر، نهایت با رحم. (160)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَىٰ نِكَّةٌ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ (161)

هرآئینه آنانکه نامعتقد شدند و مردند و ایشان نامعتقد بودند، آنها بر ایشان است لعنت خدا و فرشته گان و مردم همه یک جا. (161)

خَالِدِينَ فِيهَا مَن لَّا يَخْفَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَّا هُمْ يُنظَرُونَ (162)

همیشه باشند در آن (لعنت)؛ نشود سبک از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده می شوند. (162)

وَ إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (163)

و معبود شما معبود یگانه است؛ نیست معبودی مگر او نهایت بخشاننده، نهایت با رحم است. (163)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيْفِ الرِّيْحِ وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (164)

هرآئینه در آفرینش آسمان ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، و کشتی ها آنکه میرود در بحر به آنچه نفع میدهد مردم را، و آنچه فرود فرستاد خدا از آسمان از آب پس زنده ساخت به (سبب) آن زمین را بعد مردن آن، و پراکنده ساخت در زمین از هر نوع جنبنده، و راندن باد ها (این سو و آن سو)، و ابر های رام کرده شده میان آسمان و زمین البته نشانه ها است برای گروهی که درک می کنند. (164)

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ص لِي وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ص وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَ أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (165)

و از مردم کسی است که می گیرد از غیر خدا همتایان، دوست میدارند ایشان را مانند دوستی خدا؛ و آنانکه ایمان آورده اند قوی تر اند در دوستی خدا. و اگر دیدند آنانکه ستم کردند و قتیکه می بینند عذاب را (می فهمند) آنکه قدرت است برای خدا همه و آنکه خدا است سخت در عذاب کردن. (165)

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَ رَأُوا الْعَذَابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (166)

و قتیکه بیزار شدند آنانکه پیروی کردند از آنانکه پیروی می کردند و دیدند عذاب را و بریده شد به ایشان همه وسائل. (166)

وَ قَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبَرًا مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا ص كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ ص وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (167)

و گفتند آنانکه پیروی می کردند: اگر ما را باز گشتی باشد (به دنیا) پس بیزاری کنیم از آن ها چنان که بیزاری کردند از ما. همچنین می نماید خدا کردار های ایشان را پشیمانی ها بر ایشان؛ و نیستند ایشان بیرون آینده گان از دوزخ. (167)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (168)

ای مردم! بخورید از آنچه در زمین است حلال پاکیزه و نکنید پیروی گام های شیطان را. هر آینه او است برای شما دشمن آشکاری. (168)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (169)

جز این نیست که امر می کند شما را به بدکاری و بی حیائی و آنکه بگوئید بر خدا آنچه که نمی دانید. (169)

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (170)

و وقتی که گفته شد برای ایشان: پیروی کنید آنچه فرود فرستاده است خدا، گفتند: بلکه پیروی می کنیم آنچه یافته ایم ما بر آن پدران خویش را. آیا و اگر چه بود پدران شان که نمی فهمیدند چیزی را و نه راه یافته بودند (پیروی می کردند)؟! (170)

وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (171)

و مثال آنانکه نامعتقد شدند مانند مثال آن است که صدا می شود به آن که نمیشنوند مگر خواندن و صدائی. کران، گنگان، کوران پس ایشان نمی فهمند. (171)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (172)

ای آنانکه ایمان آورده اید! بخورید از پاکیزه ها آنچه روزی داده ایم ما شما را و سپاس گذارید برای خدا اگر هستید شما که تنها او را می پرستید. (172)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ صَ مِنْ اضْطَرَّ غَيْرِ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (173)

جز این نیست که حرام کرد بر شما مردار را و خون را و گوشت خوک را و آنچه خوانده شد بر او به نام از غیر خدا (هنگام ذبح وی)؛ پس کسی که مجبور شود نه سرکشی کننده و نه از حد گذرنده (از حد رفع گرسنگی)، پس نیست گناه بر وی. هر آینه خدا است آمرزنده، با رحم. (173)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَ يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (174)

هر آینه آنانکه پنهان می کنند آنچه فرود فرستاده است خدا از کتاب و می خرند به آن بهای

اندک، آنان نمی خورند در شکم های خود مگر آتش را و نمی گوید سخن با ایشان خدا در روز قیامت و نه پاک می سازد ایشان را و برای ایشان است عذابی درد دهنده **ئی. (174)**

أُولَىٰ نِكَاحِ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابِ بِالْمَغْفِرَةِ، فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ (175)
آنها آنانند که خریدند گمراهی را به هدایت و عذاب را به آمرزش. پس چه شکیبیا ساخت ایشان را بر آتش (دوزخ)؟ **(175)**

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (176)
این همه است به سبب آنکه خدا فرود فرستاد کتاب را با راستی. و هر آئینه آنانکه اختلاف کردند در کتاب البته در دشمنی دور (از حق) اند. **(176)**

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ أْبْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا ۗ وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ ۗ أُولَىٰ نِكَاحِ الَّذِينَ صَدَقُوا ۗ وَ أُولَىٰ نِكَاحِ هُمُ الْمُتَّقُونَ (177)

نیست نیکوکاری آنکه برگردانید رو های خود را به جانب مشرق و مغرب ولیکن نیکوکاری است: کسی که ایمان آورد به خدا و روز قیامت و فرشته گان و کتاب و پیغمبران و داد دارائی را با وجود دوست داشتن آن به خویشاوندان و یتیمان و فقیران و مسافرین و سؤال کننده گان و در (خلاصی) برده ها و برپا داشت نماز را و داد زکات را و وفا کننده گان بر عهد ایشان و قتیکه عهد کردند؛ و شکیبایان در تنگ دستی و سختی و در وقت کار زار. آنها آنانند که راست گفتند؛ و آنها ایشانند پرهیز گاران. **(177)**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ ۗ لِلسُّبْحِ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدِ بِالْعَبْدِ وَ الْأَنْثَىٰ بِالْأُنثَىٰ ۗ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعْهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ آدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ۗ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ ۗ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (178)

ای آنانکه ایمان آورده اید! نوشته (فرض) شده بر شما قصاص در کشتن؛ آزاد به آزاد و برده به برده و زن به زن. پس کسی که عفو کرده شد برای او از برادرش چیزی پس پیروی کردن است به نیکویی و رسانیدن به سوی او به خوبی. این همه است تخفیفی از جانب پروردگار شما و مهربانی. پس هر که از حد گذشت بعد این پس او را است عذابی درد دهنده **ئی. (178)**

وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولَى الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (179)
و برای شما در قصاص زنده گانی است ای صاحبان خرد! تا باشد که شما پرهیزگاری کنید. **(179)**

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادِ وَاللِّأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (180)

فرض شده بر شما و قتیکه پیش آمد یکی از شما را مرگ اگر بگذارد دارائی فراونی، وصیت کردن برای پدر و مادر و خویشاوندان به نیکوئی؛ حقی است بر پرهیزگاران.

(180)

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (181)

پس هر که بدل کند وصیت را بعد آن که شنید آن را پس جز این نیست که گناه آن (بدل کردن وصیت) بر آنانی است که بدل می کنند آن (وصیت) را. هر آئینه خدا است شنوا، دانا.

(181)

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (182)

پس هر که ترسید (اطلاع پیدا کرد) از وصیت کننده (انحراف از حق از روی) خطا یا گناهی پس صلح آورد در میان ایشان پس نیست گناه بر او. هر آئینه خدا است آمرزنده، با رحم.

(182)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (183)

ای آنانکه ایمان آورده اید! فرض شده بر شما روزه داشتن چنانچه واجب شده بود بر آنان از پیش شما بود که پرهیزگاری کنید.

(183)

أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٍ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (184)

روز های شمرده شده. پس هرکه باشد از شما بیماری یا در سفر پس شمار آن از روز های دیگر. و بر آنانکه می گیرند به سختی آن را، دادن فدیة خوراک درویشی را (یک وقت خوراک از خوراک متوسط روزانه). پس هرکه به جا آورد نیکی (به فدیة بیفزاید به اراده خود)، پس آن است بهتر برای او. و آنکه روزه دارید بهتر است برای شما؛ اگر بودید شما می دانستید.

(184)

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِيُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (185)

ماه رمضان آن است که فرود فرستاده شد در آن قرآن، راه نما برای مردم و سخنان روشن و واضح از هدایت و جدا کردن حق از باطل. پس هرکه گواه شد از شما ماه را پس باید روزه دارد آن را؛ و هرکه باشد بیماری یا در سفری پس شماری از روز های دیگر. می خواهد خدا بر شما آسانی را و نمی خواهد بر شما سختی را و تا این که تکمیل کنید مدت معین را و به بزرگی یاد کنید خدا را (تکبیر گوئید) بر آنچه راه نمود شما را و بود که شما سپاس گذاری کنید.

(185)

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا

بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (186)

و وقتی که پرسان کردند ترا بنده گان من از من پس هر آئینه من نزدیک ام؛ می پذیرم دعای دعا کننده را وقتی که دعا کرد مرا؛ پس باید بپذیرند مرا و باید ایمان بیاورند به من تا بود راه یاب شوند. (186)

أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۗ فَالَّذِينَ لَا يُشِرُّوهُنَّ وَابْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۗ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ ۗ وَلَا يُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ فَلَا تَقْرَبُوهَا ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (187)

حلال کرده شد برای شما شب روزه جماع به سوی زنان شما. ایشان پوشش اند برای شما و شما پوشش اید برای ایشان. دانست خدا آنکه شما بودید خیانت می کردید نفس های خویش را پس به مهربانی برگشت بر شما و عفو کرد از شما؛ پس الآن آمیزش کنید با زنان و طلب کنید آنچه نوشته خدا برای شما. و بخورید و بنوشید تا آن وقت که روشن شود رشته سفید از رشته سیاه از شروع صبح؛ باز تمام کنید روزه داشتن را تا شب. و نکنید آمیزش با زنان و شما در حال اعتکاف باشید در مساجد. این ها اند مرز های خدا پس نشوید نزدیک به آن ها. این چنین روشن می سازد خدا آیت های خود را برای مردم تا بود پرهیزگاری کنند.

(187)

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَىٰ الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (188)

و نخورید دارائی خویش را در میان خویشان به نا حق (رشوة، ربا، غصب، دزدی...) و مرسانید دارائی خود را به سوی حاکمان تا بخورید برخی از دارائی مردم را به گناه و شما میدانید. (188)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ ۗ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۗ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ ۗ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (189)

می پرسند ترا از هلال های ماه های نو؛ بگو: آن ها دوره های معین از وقت اند برای مردم و حج. و نیست نیکو کاری به آنکه درآئید در خانه ها از پس پشت آنها ولیکن نیکو کار کسی است که پرهیزگاری کرد. و درآئید خانه ها از دروازه های آنها. و از (خشم) خدا بپرهیزید بود که رسته گار شوید. (189)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (190)

و جنگ کنید در راه خدا آنان را که جنگ می کنند با شما و از حد مگذرید. هر آئینه خدا ندارد دوست از حد گذرنده گان را. (190)

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَفَقَّهُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ ۗ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۗ وَلَا تَقْتُلُوهُمْ

عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُفْتَلَوْكُمْ فِيهِ **صلى** فَإِنْ قَاتَلَوْكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ **قلى** كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (191)

و بکشید ایشان را (در جنگ) هر جا که یافتید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آن جا که بیرون کردند شما را (مکه). و فتنه (کفر و شرک) سخت تر است از کشتن. و جنگ نکنید با ایشان نزدیک مسجد الحرام تا آنکه جنگ کنند با شما در آن جا؛ پس اگر بجنگند با شما پس بکشید ایشان را. همچنین است سزای نامعتقدان. (191)

فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (192)

پس اگر دست کشیدند پس هر آینه خدا است آمرزنده، با رحم. (192)

وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ **صلى** فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (193)

و بجنگید ایشان را تا آنکه نباشد فتنه (کفر و شرک) و باشد دین (خاص) برای خدا؛ پس اگر دست کشیدند پس نیست درازی مگر بر ستم گاران. (193)

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرْمَتُ قِصَاصٌ **ع** فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ **ع** وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا **أ** أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (194)

ماه حرام به ماه حرام است و چیز های ممنوع شده را قصاص است. پس هر که دست درازی کرد بر شما پس دست درازی کنید بر او مانند آنچه دست درازی کردند بر شما. و بیرهزید (از خشم) خدا و بدانید آنکه خدا است با پرهیزگاران. (194)

وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا **أ**. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (195)

و خرچ کنید در راه خدا و (با ترک انفاق) نه افکنید خود را با دست های خود به سوی هلاکت و نیکوکاری کنید، هر آینه خدا دوست می دارد نیکوکاران را. (195)

وَ اتَّبِعُوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ **ع** فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ **صلى** وَ لَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ **ع** فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ بِهِ **ع** أذىٌ مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ **ع** فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ **ع** فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ **قلى** تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ **قلى** ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا **أ** أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (196)

و تمام کنید حج را و عمره را برای خدا. پس اگر باز داشت شدید پس لازم است آنچه آسان باشد از قربانی؛ و نتراشید سر های خود را تا آنکه برسد قربانی به جایش. پس هر که باشد از شما بیمار یا او را باشد رنجی از سر او پس لازم است عوض آن از روزه یا صدقه یا قربانی. پس چون ایمن شدید پس هر که بهره ور شد به اداء عمره و سپس به اداء حج پس لازم است آنچه آسان باشد از قربانی. پس هر که نیابد پس روزه داشتن سه روز در وقت حج و هفت روز وقتیکه برگشتید. این ده (روز) تمام است. این (حکم) برای کسی است که نباشد خانواده او باشندند المسجد الحرام (مکه). و بیرهزید (از خشم) خدا و بدانید آنکه خدا

است سخت در عذاب کردن. (196)

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ^{صلى} وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ ^{صلى} وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى ^{صلى} وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (197)

حج ماه های دانسته شده است. پس هر که لازم ساخت در این ماه ها (بر خود) حج را، پس نیست جماع با زنان و نه گناه و نه مشاجره کردن در حج. و آنچه می کنید از نیکوکاری می داند آن را خدا. و توشه بگیرید، پس هر آئینه بهترین توشه پرهیزگاری است. و بترسید از من ای صاحبان خرد! (197)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ^{صلى} وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ ^{صلى} لَمِن الضَّالِّينَ (198)

نیست بر شما گناه آنکه طلب کنید فضلی از جانب پروردگار خود. پس وقتی که برگردید از عرفات پس یاد کنید خدا را نزدیک المشعر الحرام (مزدلفه)؛ و یاد کنید خدا را طوری که راه نموده است شما را و اگر چه بودید از پیش این البته از گمراهان. (198)

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ^{صلى} إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (199)

باز برگردید از آنجا که بر گشتند مردم و طلب آمرزش کنید از خدا. هر آئینه خدا است آمرزنده، با رحم. (199)

فَإِذَا قُضِيَتْمْ مِّنْ سَيِّئِكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا ^{صلى} فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ مَا لَهُ ^{صلى} فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ (200)

پس وقتی که ادا کردید ارکان حج خود را پس یاد کنید خدا را مانند یاد کردن شما پدران شما را یا زیاده تر یاد کردن. پس از مردم کسی است که می گوید ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا و نیست او را در آخرت هیچ نصیبی از نعمت. (200)

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (201)

و از آنها کسی است که می گوید ای پروردگار ما! بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و محفوظ دار ما را از عذاب آتش (دوزخ). (201)

أُولَىٰ ^{صلى} لَكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا ^{صلى} وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (202)

آنها برای ایشان است بهره ئی از نعمت از آنچه کسب کردند. و خدا است سریع در حساب کردن. (202)

وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي ^{صلى} أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ ^{صلى} فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى ^{صلى} وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا ^{صلى} أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (203)

و یاد کنید خدا را در روز های مشخص (سه روز تشریق، 11، 12 و 13 ذی الحجة در منی). پس کسی که شتاب کند در دو روز (دو روز تشریق در منی بماند) پس نیست گناه بر او و کسی که دیر ماند پس نیست گناه بر او بر آنکه پرهیزگاری کرد. و پرهیزید (از خشم)

خدا و بدانید آنکه شما به سوی او جمع کرده می شوید. (203)
وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ
(204)

و از مردم است کسی که به شگفت می آورد ترا سخن او در باره زنده گانی دنیا و گواه می
آورد خدا را بر آنچه در دل او است و او است از سر سخت ترین دشمنان. (204)
وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ
(205)

و وقتی که رو گرداند تلاش کرد در زمین تا تباه کاری کند در آن و نابود سازد زراعت را و
نسل (انسان و حیوان) را. و خدا ندارد دوست تباه کاری را. (205)
وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَبِئْسَ الْمِهَادُ (206)
و وقتی که گفته شد برای او که بترس از خدا، گرفت او را عظمت (کبر و غرور) به گناه.
پس کافی است او را دوزخ. و البته آن بد جایگاه است. (206)
وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (207)
و از مردم کسی است که می فروشد نفس خود را برای طلب خوشنودی خدا. و خدا است
مهربان بر بنده گان. (207)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
(208)

ای آنانکه ایمان آورده اید! در آئید به اسلام به کاملی و نکنید پیروی گام های شیطان را.
هر آئینه او است برای شما دشمنی آشکاری. (208)
فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (209)
پس اگر لغزیدید از بعد آن که آمد به شما سخنان روشن پس بدانید آنکه خدا است غالب،
نهایت هوشیار. (209)

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلْيِ نَكْةً وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
الْأُمُورُ (210)

آیا انتظار می کشند مگر آنکه بیاید به ایشان خدا در سایبان ها از ابر و (بیایند) فرشته گان و
(آن گاه) به انجام رسیده شده باشد کار؟ و به سوی خدا باز گردانیده می شود کار ها. (210)
سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
الْعِقَابِ (211)

پیرس از بنی اسرائیل که چه قدر دادیم ایشان را از نشانه های روشن. و هرکه عوض کند
نعمت خدا را از بعد آن که آمد به او، پس هر آئینه خدا است سخت در عقوبت کردن. (211)

زُيِّنَ لِلذِّينِ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ق ۱
وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (212)

آراسته کرده شده برای آنان که نامعتقد شدند زنده گانی این جهان و مسخره می کنند از آنانکه ایمان آوردند. و آنانکه پرهیزگاری کردند بالاتر از ایشان (باشند) روز قیامت. و خدا روزی می دهد هرکه را می خواهد بی شمار. (212)

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ
بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا
بَيْنَهُمْ ق ۱ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ق ۱ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (213)

بودند مردم ملت یگانه پس فرستاد خدا پیغمبران را مژده دهنده و بیم دهنده و فرود فرستد با ایشان کتاب را به راستی تا حکم کند در میان مردم در آنچه اختلاف کردند در باره آن. و اختلاف نه کردند در آن مگر آنان که داده شدند آن را از بعد آن که آمد به ایشان نشانه های روشن (از روی) حسادت در میان ایشان؛ پس راه نمود خدا آنان را که ایمان آوردند در آنچه اختلاف کردند در باره آن از حق به اراده خود. و خدا راه می نماید کسی را که می خواهد به سوی راه راست. (213)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ق ۱ مَسْتَهْمِ الْأَسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَ
زُلُزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ ق ۱ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (214)

یا پنداشتید آنکه درآئید به بهشت و هنوز نیامده به شما حالت آنانکه گذشتند از پیش شما؟؛ رسید به ایشان سختی ها و محنت و تکان داده شدند تا آن که می گوید پیغمبر و آنانکه ایمان آوردند با او: چه وقت باشد یاری دادن خدا؟ بیگمان هرآئینه یاری دادن خدا است نزدیک. (214)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ق ۱ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَالْابْنِ
السَّبِيلِ ق ۱ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (215)

می پرسند ترا که چه چیز را خرچ کنند؟ بگو: آنچه خرچ کردید از نیکو کاری (دارائی و ثروت) پس برای پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و درمانده گان و مسافران تهی دست است. و آنچه می کنید از نیکوکاری پس هرآئینه خدا است به آن دانا. (215)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ ق ۱ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ق ۱ وَعَسَىٰ أَنْ
تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ ق ۱ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (216)

واجب کرده شد بر شما جنگ و آن است نا پسند برای شما؛ و شاید آنکه نا پسند دانید چیزی را و آن خوب باشد برای شما؛ و شاید آنکه دوست دارید چیزی را و آن بد باشد برای شما. و خدا می داند و شما نمی دانید. (216)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ق ۱ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ق ۱ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ ق ۱

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ إِيْرَاجِ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا ۚ وَ مَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُولَىٰٓ اٰلِٰهِيكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ۚ وَ أُولَىٰٓ اٰلِٰهِيكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (217)

می پرسند ترا از ماه حرام جنگ کردن در آن؛ بگو: جنگ کردن در آن ماه (گناه) بزرگ است؛ و باز داشتن از راه خدا و نامعتقدی به او (خدا) و (باز داشتن از) المسجد الحرام و بیرون کردن ساکنان آن از آن جا (گناه) بزرگتر است نزد خدا. و فتنه انگیزتن (گناه) بزرگتر است از کشتن. و نیستند گم شده (یعنی همیشه) جنگ می کنند با شما تا آن که برگردانند شما را از دین شما اگر بتوانند. و هر که بر میگردد از شما از دین خود پس می میرد و او است نامعتقد پس آنها تباه شد کار های شان در این جهان و آخرت؛ و آنها اند باشنده گان دوزخ؛ ایشان اند در آن جا همیشه باشنده گان. (217)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَىٰٓ اٰلِٰهِيكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ ۚ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (218)

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا، آنها امیدوارند بخشایش خدا را. و خدا است آمرزنده، با رحم. (218)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ ۚ قُلْ فِيهِمَا اٰثَمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ اِنَّمَهُمَا اَكْبَرُ مِنَ نَفْعِهِمَا ۚ وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۚ قُلِ الْعَفْوَ ۚ كَذٰلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (219)

می پرسند ترا از شراب و قمار؛ بگو: در هر دوی این ها گناه بزرگ و نفع ها است برای مردم، ولی گناه این دو بزرگتر است از نفع آنها. و می پرسند ترا که چه چیز را خرچ بکنند؟ بگو: زیاده از نیاز را. هم چنین بیان می کند خدا برای شما آیت ها را تا باشد که تأمل کنید. (219)

فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ۚ وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ ۚ قُلْ اِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ ۚ وَ اِن تَخَالطُوهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ ۚ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ۚ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَءَاغَنَّاكُمْ ۚ اِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (220)

در باره این جهان و آخرت (تأمل کنید). و می پرسند ترا از یتیمان؛ بگو: به صلاح آوردن برای ایشان پسندیده است؛ و اگر مخلوط کنید با ایشان (مشارکت کنید) پس برادران شما اند. و خدا می شناسد تباه کار را از صلاح کار. و اگر می خواست خدا البته به زحمت می انداخت شما را (در باره سرپرستی یتیمان). هر آئینه خدا است غالب، نهایت هوشیار. (220)

وَ لَا تَتَّكِفُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُوْمِنَ ۚ وَ لَأَمَّةٌ مُّؤَمَّنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ اَعْجَبَتْكُمْ ۚ وَ لَا تَتَّكِفُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا ۚ وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ اَعْجَبَكُمْ ۚ اُولَىٰٓ اٰلِٰهِيكَ يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ ۚ وَ اللَّهُ يَدْعُوْا اِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِاِذْنِهِ ۚ وَ يَبَيِّنُ اٰيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (221)

و نکنید ازدواج با زنان مشرک تا آنکه ایمان آورند. و البته کنیز مسلمان بهتر است از زن

مشرك و اگر چه به شگفت آورده باشد شما را. و نكنيد ازدواج با مردان مشرك تا آنكه ايمان آورند. و البته غلام مسلمان بهتر است از مشرك و اگر چه به شگفت آورده باشد شما را. آنان دعوت مي كنند به سوي دوزخ؛ و خدا دعوت مي كند به سوي بهشت و امرزش به فرمان خود؛ و روشن مي سازد آيت هاي خود را براي مردم تا باشد كه پند پذير شوند.

(221)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ **صلى** وَ لَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ **صلى** فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

(222)

و مي پرسند ترا از عادت ماهانه زنان؛ بگو: آن ضرر است پس دوري جوئيد زنان را در عادت ماهانه زنان؛ و نزديكي نكنيد ايشان را (جماع نكنيد با ايشان) تا آن كه پاڪ شوند؛ پس وقتي كه پاڪ مي شوند پس بيائيد به ايشان (جماع كنيد) از آن جهت كه امر نموده شما را خدا (از جهت پيش). هر آينه خدا دوست مي دارد توبه كننده گان را و دوست مي دارد پاڪ شونده گان را. (222)

نِسَاءَكُمْ حَزَبٌ لَكُمْ فَأْتُوا حُرَّتَكُمْ أَنْىٰ شِئْتُمْ **صلى** وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَكُمْ مُلَاقُوهُ **صلى** وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (223)

زنان شما كشت زار اند براي شما پس بيائيد به كشت زار خویش طوري كه مي خواهيد؛ و پيش فرستيد (كار هاي صالح) براي نفس هاي خود. و بپرهيزيد از (خشم) خدا و بدانيد آنكه شما ملاقات خواهيد كرد او را. و مژده ده ايمان آورنده گان را. (223)

وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ **صلى** وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (224)

و نكنيد (نام) خدا را مانع براي سوگند هاي خود آنكه نيكوكاري كنيد و پرهيزگاري نماييد و صلح آوريد ميان مردم. و خدا است شنوا، دانا. (224)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبُكُمْ **صلى** وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (225)

نمي كند مؤاخذه شما را خدا به لغزيدن (بدون قصد و اراده) در سوگند هاي شما وليكن مؤاخذه مي كند شما را به آنچه كه به دست آورده (قصد و اراده کرده) است دل هاي شما. و خدا است آمرزنده، برده بار. (225)

لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ **صلى** فَإِنْ فَأَءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (226)

براي آنانكه ايلاء مي كنند از زنان ايشان (سوگند مي خورند كه جماع نكنند)، انتظار كردن چهار ماه است؛ پس اگر باز گشتند (از اين سوگند) پس هر آينه خدا است آمرزنده، با رحم.

(226)

وَ إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (227)

و اگر قصد کردند جدائی را پس هر آینه خدا است شنوا، دانا. (227)

و الْمُطَّلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِيهِمْ - أَرْحَامَهُنَّ
إِنْ كُنَّ يَوْمِينَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَ بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا ۗ وَ لَهُنَّ
مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (228)

و زنان طلاق شده انتظار می کنند خویشان را سه ماه حیض. و نیست حلال برای ایشان
آنکه پنهان کنند آنچه خدا آفریده است در رحم های ایشان اگر هستند باورنده به خدا و روز
قیامت. و شوهران ایشان سزاوارتر اند به برگرداندن ایشان در این (مدت) اگر خواهند نیکو
کاری. و زنان را است مانند آنچه بر زنان است به وجه پسندیده. و برای مردان است بر
زنان برتری. و خدا است غالب، نهایت هوشیار. (228)

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ ۚ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٌ بِاِحْسَانٍ ۗ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّا اَنْتُمْ مَوْهُنَّ
شَيْئًا اِلَّا اَنْ يَخَافَا اَلَّا يُقِيمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۗ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ
بِهٖ ۗ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَعْتَدُوْهَا ۗ وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ (229)

طلاق دو بار است؛ پس (از آن) نگاه داری کردن به شایسته گی و یا رها کردن به نیکویی
است. و نیست حلال برای شما آنکه بگیرید از آنچه داده اید زنان را چیزی مگر آن که
بترسند هر دو آنکه نتوانند برپا کرده حد های خدا را؛ پس اگر ترسیدید آنکه نتوانید بر پا
کرده هر دو حد های خدا را پس نیست گناه بر هر دو در آنچه فدیة داد زن به آن. این ها اند
حد های خدا پس تجاوز نکنید آنها را. و هر که تجاوز می کند حد های خدا را، پس آنها
ایشانند ستم گاران. (229)

فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهٗ مِنْهُ بَعْدَ حَتّٰى تَتَكَحَّ زَوْجًا غَيْرَهٗ ۗ فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا اَنْ
يَتَرَاجَعَا اِنْ ظَنَّا اَنْ يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۗ وَ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُوْنَ (230)

پس اگر طلاق داد زن را (بار سوم) پس نمی شود حلال (این زن) برای او از بعد آن تا آن
که نکاح کند شوهری دیگری از او. پس اگر طلاق داد زن را (این شوهر دیگر) پس نیست
گناه بر آن دو آنکه باز برگردند (به نکاح با همدیگر) اگر امیدوارند که برپا کرده می توانند
حد های خدا را. و این ها اند حد های خدا، بیان می کند آنها را برای گروهی که می دانند.
(230)

وَ اِذَا طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوْهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوْهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ۗ وَ لَا تُمْسِكُوْهُنَّ
ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوْا ۗ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهٗ ۗ وَ لَا تَتَّخِذُوْا اٰيَاتِ اللّٰهِ هُزُوًا ۗ وَ اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ
عَلَيْكُمْ ۗ مَا اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتٰبِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهٖ ۗ وَ اتَّقُوا اللّٰهَ ۗ وَ اعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيْمٌ (231)

و وقتی که طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود (انقضاء عدت) پس نگاه دارید
ایشان را به شایسته گی یا رها کنید ایشان را به شایسته گی. و ندارید نگاه ایشان را به ضرر
رساندن تا تجاوز کنید. و هر که بکند این کار را پس به یقین ستم کرد بر نفس خود. و نگیرید
آیت های خدا را مسخره. و یاد کنید نعمت های خدا را بر شما و آنچه فرود فرستاد بر شما

از کتاب و هوشیاری، پند می دهد شما را با آن. و بپرهیزید (از خشم) خدا و بدانید آنکه خدا است به هر چیز دانا. (231)

وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ ذَٰلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَ أَطْهَرُ ۗ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (232)

و وقتی که طلاق دادید زنان را پس رسیدند به میعاد خود (انقضاء عدت) پس نکنید منع ایشان را از آن که نکاح کنند شوهران خود را وقتی که راضی شدند در میان خویش به وجه پسندیده. این پند داده می شود به آن هر کسی که است از شما ایمان می آورد به خدا و روز قیامت. این (اوامر خدا) سود مند تر است برای شما و پاکیزه تر. و خدا می داند و شما نمی دانید. (232)

وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ ۗ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا ۗ لَا تُضَارُّ وَ الْوَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهَا ۗ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۗ وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا ۗ أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا ۗ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (233)

و مادران شیر بدهند فرزندان خود را دو سال تمام؛ برای کسی که خواست آنکه تمام کند مدت شیر دادن را. و بر پدر برای او نفقه این زنان و پوشاک ایشان است به وجه پسندیده. نمی شود تکلیف داده هیچ کسی مگر به قدر توان او. نباید رنج داد مادری را به سبب فرزند او و نه پدری را برای او به سبب فرزندش. و بر وارث مانند این. پس اگر خواستند پدر و مادر از شیر باز گرفتن (پیش از دو سال) بعد از رضایت از آن دو و مشورت کردن پس نیست گناه بر هر دو. و اگر خواستید آنکه زن دیگری شیر دهد فرزندان شما را پس نیست گناه بر شما وقتی که تمام تسلیم نمودید آنچه دادید شما (مزد) به وجه پسندیده. و بپرهیزید (از خشم) خدا و بدانید آنکه خدا است به آنچه که می کنید بینا. (233)

وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي ۗ أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (234)

و آنان که می میرند از شما و می گذارند زنانی را باید انتظار کنند این زنان خویشان را چهار ماه و ده روز؛ پس وقتی رسیدند به میعاد ایشان پس نیست گناه بر شما در آنچه کردند زنان در (حق) خویشان به وجه پسندیده. و خدا است به آنچه که می کنید آگاه. (234)

وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي ۗ أَنْفُسِكُمْ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَ لَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۗ وَ لَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۗ وَ اعْلَمُوا ۗ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي ۗ أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۗ وَ اعْلَمُوا ۗ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (235)

و نیست گناه بر شما در آن که به کنایه پیشنهاد کردید به آن از خواستگاری زنان (در میان

عدت) یا پنهان کردید در دل های خود. دانست خدا آنکه شما یاد خواهید کرد این زنان را ولیکن ندهید وعده ایشان را (نکاح) پنهانی مگر آنکه گوئید سخنی پسندیده (به کنایه). و نکنید قصد عقد نکاح تا آن که برسد میعاد مقرر وقت خود را (عدت تکمیل گردد). و بدانید آنکه خدا می داند آنچه در دل های شما است. پس دوری کنید از آن (نکاح پیش از تکمیل دوره عدت). و بدانید آنکه خدا است آمرزنده، برده بار. (235)

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرَضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۖ وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ ۚ وَ عَلَى الْمُفْتَرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (236)

نیست گناه بر شما اگر طلاق دادید زنان را آنکه دست نرسانیده اید به ایشان یا معین نکرده اید برای ایشان مقداری (مهر). و بهره بدهید ایشان را، بر توانگر مقدار حال او و بر نا توان مقدار حال او بهره دادن به وجه پسندیده؛ لازم شده بر نیکوکاران. (236)

وَ إِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى ۚ وَ لَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (237)

و اگر طلاق دادید زنان را از پیش آن که دست رسانید به ایشان و پیشتر معین کرده اید برای ایشان مقداری پس نصف آنچه معین کردید (بهره دهید) مگر آنکه در گذرند زنان یا در گذرد آنکه به دست او است عقد نکاح. و آنکه درگذرید نزدیک تر است به پرهیزگاری. و نکنید فراموش نیکوکاری کردن را در میان خویش. هر آینه خدا است به آنچه که می کنید بینا. (237)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (238)

پا بندی کنید بر نماز ها و بر نماز میانه (خصوصاً نماز عصر) و بایستید برای خدا فرمان بردارنده گان (به حالت خشوع و خضوع). (238)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا ۖ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (239)

پس اگر ترسیدید (در جنگ و یا خطر دیگری) پس پیاده گان یا سواران (نماز گزارید). پس وقتیکه ایمن شدید پس یاد کنید خدا را طوری که آموخته است شما را آنچه که نبودید شما می دانستید. (239)

وَ الَّذِينَ يُتَوَقَّونَ مِنْكُمْ وَ يَذُرُونَ أَرْوَاجًا وَ صِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ ۚ فَإِنْ خَرَجْنَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَا فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ ۖ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (240)

و آنان که قبض روح کرده می شوند از شما و می گذارند زنانی را وصیتی برای زنان خود بهره مندی تا یک (1) سال بدون بیرون کردن. پس اگر بیرون شدند پس نیست گناه بر شما در آنچه کردند در (حق) خویشتن از کار پسندیده (نکاح شرعی). و خدا است غالب، نهایت هوشیار. (240)

وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (241)

و برای طلاق داده شده گان است بهره مندی به وجه پسندیده؛ لازم کرده شد بر پرهیزگاران.
(241)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (242)

این چنین بیان می کند خدا برای شما آیت های خود را تا باشد که شما بیندیشید. (242)
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (243)

آیا نه دیدی به سوی آنانکه بیرون رفتند از خانه های شان و ایشان بودند هزاران، از ترس مرگ پس گفت برای ایشان خدا: بمیرید! باز زنده ساخت ایشان را؟ هر آئینه خدا است البته صاحب بخشایش بر مردم ولیکن بسیاری مردم نمی کنند سپاس گذاری. (243)

وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (244)

و جنگ کنید در راه خدا و بدانید آنکه خدا است شنوا، دانا. (244)

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْضِي وَ يَبْسُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (245)

کیست آنکه وام می دهد خدا را وام دادن نیکی پس چند برابر می سازد آن را برای او به برابر ساختن بسیار. و خدا کم می گرداند و فراوان می گرداند و به سوی او باز گردانیده می شوید. (245)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَآئِمِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلَكًا يُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَلَّى قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَاؤُنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ قَالُوا وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (246)

آیا نه دیدی به سوی جماعتی از بزرگان قوم بنی اسرائیل از بعد موسی وقتیکه گفتند برای پیغمبری برای ایشان: انتخاب کن برای ما پادشاهی تا جنگ کنیم در راه خدا؛ گفت (پیغمبر): شاید شما اگر واجب کرده شود بر شما جنگ، آنکه نکنید جنگ؛ گفتند: و چه است برای ما آنکه نکنیم جنگ در راه خدا و به یقین بیرون کرده شدیم از خانه های ما و (جدا کرده شدیم) از فرزندان ما؛ پس چون واجب کرده شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگر اندکی از ایشان. و خدا است دانا به ستم گاران. (246)

وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ صَلَّى وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (247)

و گفت برای شان پیغمبر ایشان: هر آئینه خدا به تحقیق انتخاب کرد برای شما طالوت را پادشاه. گفتند: چگونه باشد برای او پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم به پادشاهی از او و

نشده داده وی را فراخی در دارائی. گفت: هر آئینه خدا برگزیده است او را بر شما و اضافه داده است او را فراخی در دانش و بدن؛ و خدا می دهد پادشاهی خود را کسی را که می خواهد. و خدا است توسعه دهنده، دانا. (247)

وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (248)

و گفت برای شان پیغمبر ایشان: هر آئینه نشان پادشاهی او است آنکه بیاید به شما صندوقی که در آن آرامش دل است از جانب پروردگار شما و باقیمانده از آنچه که گذاشتند خاندان موسی و خاندان هارون، بر می دارند آن را فرشته گان. هر آئینه در این است البته نشانه برای شما اگر هستید شما ایمان آورنده گان؟ (248)

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَ مَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي - إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَ مِّن فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ عَلَى الْوَالِدِينَ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا (249)

پس چون جدا شد (از وطن) طالوت با عساکر گفت: هر آئینه خدا می آزمايد شما را به دریائی، پس هر که نوشيد از آن پس نيست از (پيروان) من و هر که نچشد آن را پس هر آئینه او از (پيروان) من است مگر آن که بگيرد يك كف به دست خود. پس آشاميدند از آن مگر اندکی از ایشان. پس چون گذشتند از آن (دریا)، او (طالوت) و آنانکه ایمان آوردند همراه او گفتند: نيست توان برای ما امروز به (جنگ با) جالوت و عساکر او. گفتند آنانکه يقين داشتند که ایشان ملاقات کننده خدا هستند: چه بسا از گروه اندک غالب شد بر گروه بزرگ به اراده خدا. و خدا است همراه شکیبایان. (249)

وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (250)

و چون به پیش آمدند برای (جنگ با) جالوت و عساکر او، (این صالحان) گفتند: ای پروردگار ما! بریز بر ما شکیبائی و محکم بساز قدم های ما را و غلبه ده ما را بر گروه نا معتقدان. (250)

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ أَنصَبَهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (251)

پس شکست دادند ایشان را به فرمان خدا و کشت داود جالوت را و داد او (داود) را خدا پادشاهی و هوشیاری و پیاموخت او را از آنچه (خدا) می خواست و اگر نمی بود دور کردن خدا مردم را بعضی ایشان را با بعضی البته تباه می شد زمین ولیکن خدا است صاحب بخشایش بر جهان ها. (251)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (252)

این ها اند آیت های خدا، می خوانیم آنها را بر تو (ای محمد!) به راستی و هر آینه تو البته از پیغمبرانی. (252)

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ ۖ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۚ وَ أَنزَلْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَنِيَّةَ ۚ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۖ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۖ مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ ءَامَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ۚ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَلُوا ۚ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (253)

این پیغمبران برتری دادیم بعضی از ایشان را بر بعضی، از ایشان است کسی که سخن گفت خدا با او؛ و بلند کرد بعضی از ایشان را مرتبه ها. و دادیم عیسی پسر مریم را نشانه های روشن و قوت دادیم او را به روح القدس (جبریل). و اگر می خواست خدا نمی کردند جنگ با یکدیگر آنان از بعد ایشان (پیغمبران) از بعد آنکه آمد به ایشان (مردم) سخنان روشن ولیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسی است که ایمان آورد و از ایشان کسی است که نامعتقد شد. و اگر می خواست خدا نمی کردند جنگ با یکدیگر ولیکن خدا می کند آنچه می خواهد. (253)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ۖ اُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا خُلَّةَ وَ لَا شَفَاعَةَ ۚ وَ الْكٰفِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (254)

ای آنانکه ایمان آورده اید خرچ کنید از آنچه روزی دادیم ما شما را از پیش آنکه بیاید روزی که نیست خرید و فروش در آن و نه دوستی و نه سفارش. و نامعتقدان ایشانند ستم گاران. (254)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ ۚ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ۚ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ ۚ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ ۖ وَ لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ۚ وَ سِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَ الْأَرْضِ ۖ وَ لَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ۚ وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (255)

خدا، نیست هیچ معبودی مگر او، همیشه زنده، تدبیر کننده همه چیز. نمی گیرد او را پینکی (خواب سبک) و نه خواب. برای او است آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است. کیست آنکه شفاعت می کند نزد او مگر به اجازه او؟ می داند آنچه در میان دست های ایشان است و آنچه در پشت سر ایشان است؛ و نمی کنند احاطه به چیزی از دانش او مگر به آنچه که بخواهد. فرا گرفته است کرسی او آسمان ها و زمین را؛ و نمی کند مانده او را نگهبانی آسمانها و زمین. و او است بلند مرتبه، بزرگ. (255)

لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا اِنْفِصَامَ لَهَا ۚ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (256)

نیست جبر کردن در دین؛ به یقین روشن شده است راه یابی از گمراهی. پس هر که منکر طاغوت (معبودان باطل) می شود و ایمان می آورد به خدا پس به یقین چنگ زده است به دست آویز محکمی که نیست گسستن برای آن. و خدا است شنوا، دانا. (256)

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ صلى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ صلى أُولَىٰ صلى إِنَّكَ أَصْحَابُ النَّارِ صلى هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (257)

خدا است کار ساز آنانکه ایمان آورده اند، بیرون می آورد ایشان را از تاریکی ها به سوی روشنی؛ و آنانکه نامعتقد شدند کارسازان ایشان اند طاغوت (معبودان باطل)، بیرون می آورند ایشان را از روشنی به سوی تاریکی ها. آنها باشندگان دوزخ اند؛ ایشان اند در آنجا همیشه باشندگان. (257)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ - أَنْ أَنَّهُ اللَّهُ الْمَلِكُ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ صلى قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ صلى وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (258)

آیا ندیدی به سوی کسی که مجادله کرد با ابراهیم در باره پروردگارش آنکه داد او (نمرود) را خدا پادشاهی چون گفت ابراهیم: پروردگار من آن است که زنده می کند و می میراند، گفت (نمرود): من زنده می کنم و می میرانم؛ گفت ابراهیم: پس هر آئینه خدا می آورد آفتاب را از مشرق پس بیاور تو آن را از مغرب پس مبهوت شد آنکه نامعتقدی کرد. و خدا نمی کند رهنمائی گروه ستم گاران را. (258)

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا صلى فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامًا ثُمَّ بَعَثَهُ صلى قَالَ كَمْ لَبِثْتُ صلى قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ صلى قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامًا فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ صلى وَ انظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَ لِنَجْعَلَ آيَةً لِلنَّاسِ صلى وَ انظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (259)

یا (آیا ندیدی) مانند آن کسی که گذشت بر دهکده و آن فرو ریخته بود بر سقف های خود؟ گفت: چگونه زنده می کند این را خدا بعد مردن آن؟ پس بمیراند او را خدا صد سال باز برانگیخت او را؛ گفت: چقدر مکث کردی؟ گفت: مکث کردم روزی یا حصه از روز؛ گفت: بلکه مکث کردی صد سال پس نگاه کن به سوی غذای خود و نوشیدنی خود که هیچ تغییر نکرده است؛ و نگاه کن به سوی الاغ خود و تا بسازیم ترا نشانه برای مردم؛ و نگاه کن به سوی استخوان ها چگونه به هم می آوریم آنها را باز می پوشانیم آن را گوشتی. پس چون روشن شد برای او گفت: می دانم آنکه خدا است بر همه چیز توانا. (259)

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ صلى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ صلى قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيُطَمِّئَنَّ قَلْبِي صلى قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (260)

و وقتیکه گفت ابراهیم: ای پروردگار من! بنما مرا چگونه زنده می گردانی مرده گان را؟ گفت: آیا نیافریدی ایمان؟ گفت: بلی (باور دارم) ولیکن تا آرام شود قلب من؛ گفت: پس بگیر چهار عدد از پرندگان را پس به هم آور نزدیک خود (خوب بشناس) آنها را پس بگذار بر هر کوهی از ایشان پارچه ای پس ندا کن ایشان را بیایند به پیش تو شتابان. و بدان

آنکه خدا است غالب، نهایت هوشیار. (260)

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْ بَتَّتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُورَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ ۗ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (261)

مثل آنانکه خرج می کنند دارائی های شان را در راه خدا (این خرج کردن) مانند دانه است که رویاند هفت خوشه را، در هر خوشه نسی صد دانه. و خدا چند برابر می کند برای کسی که می خواهد. و خدا است توسعه دهنده، دانا. (261)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مِمَّا انْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ ۗ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (262)

آنانکه خرج می کنند دارائی های شان را در راه خدا باز نمی آورند از دنبال آنچه که خرج کردند منت گذاردن و نه آزار رسانیدن، برای ایشان است پاداش شان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان غمگین می شوند. (262)

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ ۗ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (263)

سخن گفتن پسندیده و درگذشتن بهتر است از خیراتی که دنبال می کند آن را آزار رسانیدن. و خدا است بی نیاز، برده بار. (263)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ۗ لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (264)

ای آنانکه ایمان آورده اید نکنید تباه خیرات های خود را به منت گذاردن و آزار رسانیدن مانند کسی که خرج می کند دارائی خود را برای نشان دادن مردم و نمی آورند ایمان به خدا و روز قیامت؛ پس مثال او مانند مثال سنگ صافی است که بر آن خاک است پس رسید به آن باران شدیدی پس گذاشت آن را سخت و صاف؛ ندارند توانائی بر چیزی از آنچه کسب کردند. و خدا نمی کند رهنمائی گروه نامعتقدان را. (264)

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَنبِيئًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَفَاتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِيبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّتْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (265)

و مثل آنانکه خرج می کنند دارائی های شان را جهت طلب رضامندی خدا و استوار ساختن از خویش، (این خرج کردن) مانند باغی است بر زمین بلند که رسد به وی باران شدیدی پس داد میوه خود را دو چند پس اگر نرسد باران شدید پس باران خفیف (کفایت کند). و خدا است به آنچه که می کنید بینا. (265)

أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَهُوَ دُرِّيَّةٌ ضِعْفًا فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ۗ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (266)

آیا دوست می دارد یکی از شما آنکه باشد او را باغی از درختان خرما و انگور، میرود از زیر آنها جوی ها، هست او را در آن باغ از هر نوع میوه ها و رسیده باشد او را کلان سالی و برای او باشد اولاد ناتوان پس رسید آن باغ را گردبادی که در آن آتش است پس سوخت. این چنین روشن می سازد خدا برای شما آیت ها را تا باشد که شما ببیندیشید.

(266)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ صلى وَلَا تَيْمَمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ صلى وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (267)

ای آنانکه ایمان آورده اید خرج کنید از پاکیزه ها آنچه به دست آوردید و از آنچه بیرون آوردیم ما برای شما از زمین؛ و نکنید قصد ناپاک را از آن که خرج می کنید و نیستید گیرنده آن مگر آنکه چشم پوشی کنید در آن (چیز بی قدر و بی ارزش را صدقه نکنید). و بدانید آنکه خدا است بی نیاز، شائسته همه ستایش. (267)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ صلى وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا صلى وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (268)

شیطان وعده می دهد شما را تنگدستی را و امر می کند شما را به بی حیائی؛ و خدا وعده می دهد شما را آمرزش از جانب خود و بخشایش. و خدا است توسعه دهنده، دانا. (268)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ صلى وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا صلى وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (269)

می دهد هوشیاری را کسی را که می خواهد. و کسی را که داده شد هوشیاری پس به یقین داده شد نیکویی بسیاری. و نمی شوند پند پذیر مگر صاحبان خرد. (269)

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا صلى وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (270)

و آنچه خرج کردید از خرج کردنی یا نذر کردید از نذری پس هر آینه خدا می داند آن را. و نیست برای ستم گاران از یاری دهنده گان. (270)

إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ صلى وَإِنْ تَخَفَوْهَا وَتَوْتَوْهَا الْفَقْرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ صلى وَ يُكْفِّرُ عَنْكُمْ مَنْ سَيِّئَاتِكُمْ صلى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (271)

اگر آشکار کنید خیرات را پس نیکو چیز است آن؛ و اگر پنهان کنید آن را و بدهید آن را به تنگ دستان پس آن است بهتر برای شما. و دور می سازد از شما بعضی از گناهان شما را. و خدا است به آنچه که می کنید آگاه. (271)

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ صلى وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا تُنْفِسُكُمْ صلى وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ صلى وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ صلى وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ (272)

نیست بر تو هدایت ایشان و لیکن خدا هدایت می کند کسی را که می خواهد. و آنچه خرج می کنید از چیزی نیکویی پس برای نفس های شما است. و نمی کنید خرج مگر طلب رضای

خدا. و آنچه خرج می کنید از چیزی نیکویی به تمام رسانیده می شود به سوی شما و شما نمی شوید ستم. (272)

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِحْقَاقًا وَمَا نُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (273)

برای تنگ دستان، آنانکه باز داشته شده اند در راه خدا نمی توانند مسافرت در زمین، می پندارد ایشان را شخص نادان، توانگر از (خاطر) قناعت، می شناسی ایشان را به چهره ایشان، نمی کنند سؤال از مردم به الحاح و اصرار. و آنچه خرج می کنید از چیزی نیکویی پس هر آئینه خدا است به آن دانا. (273)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (274)

آنانکه خرج می کنند دارائی خویش را در شب و روز پنهان و آشکارا پس برای ایشان است پاداش شان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان غمگین می شوند. (274)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبْوَا لَا يَفُومُونَ إِلَّا كَمَا يَفُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبْوَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبْوَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (275)

آنانکه می خورند سود، نمی خیزند (از قبر) مگر مانند آنکه می خیزد، آنکه دیوانه می سازد او را شیطان از تماس. این به سبب آنکه آنها (سود خوران) گفتند: نیست جز این که خرید و فروش مانند سود است. و (حالآنکه) حلال کرده است خدا خرید و فروش را و حرام ساخته سود را. پس کسی که آمد به او پندی از پروردگار او پس خاتمه داد آن را (سود خوری را) پس برای او است آنچه گذشت و کار او به سوی خدا است؛ و کسی که بر گردد (دوباره به سود خوری) پس آنها اند باشندگان دوزخ؛ ایشان اند در آن همیشه باشندگان. (275)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبْوَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (276)

نابود می سازد خدا سود را و می افزاید خیرات را. و خدا ندارد دوست هیچ ناسپاسی گنهگاری را. (276)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (277)

هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و کردند کار های شائسته و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را برای ایشان است پاداش شان نزد پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان غمگین می شوند. (277)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (278)

ای آنانکه ایمان آوردید بپرهیزید از (خشم) خدا و ترک کنید آنچه مانده است از سود اگر هستید ایمان آورنده گان؟ (278)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ صلی وَ إِن تَبُنُّوا فَلكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَ لَا تَظْلَمُونَ (279)

پس اگر نکردید پس خبر دار باشید به جنگی از جانب خدا و پیغمبر او؛ و اگر توبه کردید پس برای شما است اصل دارائی شما نکنید ستم شما و نه بر شما ستم کرده شود. (279)

وَ إِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَ أُن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ صلی إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (280)

اگر بود (قرضدار) صاحب سختی پس مهلت دادن تا آسانی. و آنکه خیرات کنید بهتر است برای شما؛ اگر هستید شما می دانید. (280)

وَ اتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ صلی ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (281)

و بترسید روزی را که برگردانیده می شوید در آن به سوی خدا؛ باز تمام داده می شود هر کس را آنچه به دست آورده و ایشان نمی شوند ستم. (281)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ - أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ ۚ وَ لِيَكْتَبَ بَيْنَكُمُ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۚ وَ لَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ ۚ فَلْيَكْتُبْ وَ لِيُمِلَّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا ۚ فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمِلْ وَلِيهِ بِالْعَدْلِ ۚ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِّجَالِكُمْ صلی فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَ امْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى ۚ وَ لَا يَأْبَ الشَّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا ۚ وَ لَا تَسْمُوا ۚ أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ - أَجَلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ أَفْطَسُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَ أَدْنَىٰ - إِلَّا تَرَئَاوُ - صلی إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا صلی وَ اسْهَدُوا ۚ إِذَا تَبَايَعْتُمْ ۚ وَ لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَ لَا شَهِيدٌ ۚ وَ إِن تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ صلی وَ اتَّقُوا اللَّهَ صلی وَ يَعْلَمَكُمُ اللَّهُ صلی وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (282)

ای آنانکه ایمان آوردید وقتیکه قرض کردید از یکدیگر قرضی تا یک مدت معین پس بنویسید آن را. و باید بنویسد میان شما نویسنده به انصاف. و ابا نوزد نویسنده آنکه بنویسد چنانچه آموخته است او را خدا. پس باید که وی بنویسد و املاء کند آنکه بر او حق است و باید که بترسد از خدا پروردگار او و نگاهد از آن چیزی. پس اگر است کسی که بر او حق است، بی خرد یا ناتوان یا نمی تواند آنکه املاء کند آن را پس باید که املاء کند کار گذار او به انصاف. و گواه گیرید دو شاهد از مردان خویش. پس اگر نباشد دو مرد پس مردی و دو زن از کسانی که رضامند باشید از گواهان تا اگر انحراف و یا کجی کند یکی از آن دو زن پس یاد آوری کند آن زن دیگر. و نوزند ابا گواهان وقتیکه طلبیده شوند. و نشوید مانده از آن که بنویسید آن (حق) را اندک باشد یا بسیار تا میعاد وی. این با انصاف تر است نزد خدا و استوارتر برای گواهی و نزدیک تر از آنکه شک کنید؛ مگر آنکه باشد سوداگری حاضر (دست به دست) مبادله می کنید میان خویش پس نیست بر شما گناه آنکه

نویسید آن را. و گواه گیرید وقتیکه خرید و فروش می کنید. و باید زیان نبیند نویسنده و نه گواه. و اگر بکنید (زیان رسانیدن) پس هر آئینه این گناه است به شما. و بپرهیزید از (خشم) خدا؛ و می آموزد شما را خدا. و خدا است به هر چیز دانا. (282)

وَ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهْنَ مَقْبُوضَةً ۖ فَإِنْ أَتَىٰ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ۖ قُلْ وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۚ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمٌ قَلْبُهُ ۖ قُلْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (283)

و اگر بودید در سفری و نیافتید نویسنده ئی پس لازم است گرو به دست آورده شده. پس اگر امین داند بعضی شما بعضی را پس باید برگرداند آن که امین دانسته شده امانت خود را و باید که بترسد از خدا پروردگار خود. و نکنید پنهان گواهی را. و آنکه پنهان می کند آن را پس هر آئینه او است گناه کار دل او. و خدا است به آنچه که می کنید دانا. (283)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ۖ قُلْ وَ إِنْ نُبُذُوا مَا فِي ۖ أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفَّوْهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ ۖ قُلْ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۖ قُلْ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (284)

برای خدا است آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است. و اگر آشکار کنید آنچه در نفس های شما است یا پنهان دارید آن را حساب می گیرد از شما از آن خدا؛ پس می آموزد کسی را که می خواهد و عذاب می کند کسی را که می خواهد. و خدا است بر همه چیز توانا. (284)

ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۖ وَ الْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَىٰ ۖ كِتَابِهِ وَ كُتِبَ ۖ وَ رُسُلِهِ ۖ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۖ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا ۖ قُلْ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ (285)

ایمان آورد پیغمبر به آنچه فرود فرستاده شد به سوی او از جانب پروردگار او و ایمان آورنده گان (نیز). همه ایمان آوردند به خدا و فرشته گان او و کتاب های او و پیغمبران او، (گفتند) نمی کنیم فرق میان هیچ یک از پیغمبران او. و گفتند: شنیدیم و فرمان برداری کردیم؛ آمرزش می خواهیم از تو ای پروردگار ما و به سوی تو است باز گشت. (285)

لَا يَكُلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۖ قُلْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ ۚ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ قُلْ وَ اغْفِرْ عَنَّا وَ ارْحَمْنَا ۚ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (286)

نمی سازد متحمل (مسئول) خدا نفسی را مگر به قدر توان او. برای او است آنچه به دست آورد (از ثواب) و بر او است آنچه (از گناه) به دست آورد. (گفتند:) پروردگار ما! نگیر ما را (به عقوبت) اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم. پروردگار ما! نگذار بر ما بار سنگین چنان که گذاشتی آن را بر آنان از پیش ما. پروردگار ما! و نگذار بر ما آنچه نیست توانائی ما را به آن؛ و در گذر از ما و بیمارز برای ما و رحم کن بر ما. تویی سرپرست و مولی ما پس غلبه ده ما را بر گروه نامعقدان. (286)

